



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

همان کلبه فوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتخابات - آگهیهای رسمی و قانونی

شماره ۲۴۴۱

شنبه ۲۱ بهمن ماه ۱۳۳۱

سال هشتم

شماره مسلسل ۶۷

دوره هفدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه

۱۴ بهمن ماه ۱۳۳۱

فهرست مطالب

- ۱- طرح صورت مجلس
- ۲- بیانات قبل از دستور - آقایان: میراشرافی - شهیدی - نریمان
- ۳- تقدیم یک فقره سؤال از طرف آقای هدی
- ۴- سؤال آقای کهید راجع به لایحه ای که بانک ملی بفتح انگلستان پرداخته و جواب آقای معاون نخست وزیر
- ۵- سؤال آقای دکتر بقائی راجع به پروانه برنج و معامله برنج با اندونزی و جواب آقای وزیر اقتصاد ملی
- ۶- اعلام تقاضای کمیسیون خاص دایر بیکماه تمدید جهت رسیدگی به لایحه ازدیاد سهم کشاورزان و موافقت آن
- ۷- تقدیم لایحه برنامه پنجساله راه سازی بوسیله آقای وزیر راه
- ۸- سؤال آقای دکتر فقیهی راجع به وضع ورود و قیمت و تقسیم داروها و جواب آقای وزیر بهداشت
- ۹- تقدیم دو فقره لایحه بوسیله آقای وزیر فرهنگ
- ۱۰- تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

مجلس ساعت نه و چهل و پنج دقیقه صبح برپاست آقای مهندس رضوی (نایب رئیس) تشکیل گردید

### ۱- طرح صورت مجلس

نایب رئیس - اسامی غائبین جلسه قبل فرات می شود (شرح زیر خوانده شد)

غائبین با اجازه - آقایان: مشار - احمد فرامرزی - صفائی - قنات آبادی - اورنگ - دکتر فلسفی

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر امامی - عبدالرحمن فرامرزی - راشد - دکتر ملکئی - محمد حسین قشقائی - دکتر مصباح زاده

دیر آمدگان با اجازه - آقایان: دکتر فاخر ۳۵ دقیقه - نصف - میراشرافی - کهید - خسرو قشقائی هر کدام یک ساعت - دکتر بقائی - صراف زاده - هر کدام یک ساعت و سی دقیقه

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر کیان ۳۵ دقیقه - عامری ۴۵ دقیقه - شهاب خسروانی - تولیت هر کدام یک ساعت و سی دقیقه

نایب رئیس - نسبت به صورت جلسه

روز یکشنبه ۱۲ بهمن ماه نظری هست ؟  
 آقای کریمی  
**نایب رئیس** - در نطق قبل از دستور بنده بعضی اشتباهات چاپی هست که تصحیح میکنم و بتندنویسی میدهم که تا هم تلگراف از کرمانشاه برای مجلس از طرف حجت الاسلام آقای لاری و توفیق الاسلام آقای زنجانی و آقای افکار رسیده و تقاضای تصویب لایحه منع مسکرات را نموده اند که تقدیم مقام ریاست میشود

**نایب رئیس** - آقای وکیل پور نسبت به صورت جلسه نظری دارید ؟  
 بفرمائید

**وکیل پور** - یک طوماری است از طرف کارمندان وزارت پست و تلگراف راجع به وضع خودشان نوشته اند و راجع به لایحه سازمانیکه تقدیم مجلس میکنم

**نایب رئیس** - آقای دکتر فقیهی شیرازی

**دکتر فقیهی شیرازی** - مختصر اشتباهی در صورت مذاکرات هست که تصحیح میکنم و تقدیم تندنویسی می نمایم ضمناً طوماری است از حجت الاسلام شهرستانی و یک طوماری از مردم تهران و سبیل حجت الاسلام میلانی مبنی بر مخالفت باموضوع الکل و تأیید طرح دوفوری منع نوشابه های الکلی است که تقدیم میکنم

**نایب رئیس** - آقای ملک مدنی

**ملک مدنی** - یکی دو اصلاح عبارتی است که در عرایض جلسه قبل شده است می نویسم و میدهم به تندنویسی

**نایب رئیس** - دیگر نظری نیست ؟ (اظهاری نشد) چون عده برای تصویب صورت جلسه کافی نیست در موقع کافی شدن اعلام نظر خواهد شد

**۲- بیانات قبل از دستور**  
**آقایان: میراشرافی**  
**شهیدی** - **نریمان**  
**نایب رئیس** - چند نفر از آقایان

تقاضای نطق قبل از دستور کرده اند آقای میراشرافی

**میراشرافی** - مدتی بود که بنده از اینککه پشت تربیون بیایم و عرایض خدمت آقایان بیان میکنم صرف نظر کرده بودم و امروز هم چون یکمده از همکاران سابق بنده افسران ارتش بنده مراجعه کردند و خواهش نمودند این بود که مجبور شدم یک چند دقیقه ای وقت آقایان را بگیرم و یک عرایضی که بنظر خودم خیلی واجب است به عرض مجلس شورای ملی برسانم

عرایض بنده درباره وضع کنونی ارتش است - سنگینی بار وظیفه سوگندی که بر آن مجید در پیشگاه خداوند و وجدان و ملت ایراد کرده ایم ما اجازه نمی دهد در لحظاتی که مسئله حیا کیمیت و استقلال و وحدت ملی ایران و امنیت جان و مال و نوامیس میلیونها هموطن معصوم و معروم ما بیان است سکوت اختیار کنیم و ناظر سیر جریان حوادث و اتفاقاتی باشیم که ممکن است بقیه است استقلال ما تمام شود استقلالیکه ملت برد بار ایران بهای ارزان بدست نیآورده و در این ادوار برای حفظ آن در برابر هر تجاوزی جان شیرین خود را بوثیقه گذارده است مسلماً اگر بای وحدت ملی و حاکمیت در میان نبود و وظیفه بن حکم نمی گزید بهیچوجه مطبی نیبگتتم و همچون گذشته سکوت اختیار میکردم لیکن سنگینی بار وظیفه بین امر میکنند که از گفتن حقایق برای ضبط دژ تاریخ و قضاوت آینده کان خود داری نکرده و به عرض مجلس شورای ملی برسانم

در کار سیاست پیش بینی حوادث آینده

مملکتی یکی از فنون فوق العاده حساس و ظریفی است که هر کس از آن برخوردار شده و توانست که اغلب امور مهمه سیاسی را قبل از وقوع و با توجه به مقدمات و از روی قرائن احساس و ادراک کند و درست حوادث پیش بینی های او صورت وقوع و عمل داد می تواند بر خود امیدوار و خوشنود باشد و لکن در محیط فعلی سیاست ایران و مملکت ما از آنجا که پیش بینی حوادث آینده چیزی جز ناکامی و تیره روزی و محرومیت و خطر اضحلال قومی و ملی و انحراف از اصول و تباهی معنویات ملت و این پیش آمدها دامن گیر یک یا چند تن از اشخاص نمی شود بلکه ملتی را متزلزل و در معرض طوفان بلا یا ومصائب قرار می دهد و همه از غنی و فقیر از حاکم و محکوم در تحمل آن از نتایج دردناک آن شریک و سهیم هستند بهمین جهت هیچ کس از پیش بینی و پیشگویی وقوع یک حادثه نامطلوبی خوشنود نیست و پیوسته از خداوند می خواهد که پیش بینی های او صورت وقوع نهد

بسیاری از مصائبی که امروز دامنگیر ماست دیروز پیش بینی میشد و بسیاری از حوادثی که فردا ممکن است روی دهد امروز شاههای قوی احساس وقوع آنرا می نمایند بنده قصد دارم دامنه عرایض خود را با سایر مسائل وسعت دهم عرایض بنده فقط مربوط بیک موضوع است . روزیکه مسئله واگذاری پست وزارت جنگ دیروز وزارت دفاع ملی امروز بجناب آقای دکتر مصدق مطرح بود یک دسته در اینجا و در خارج این نظر را نمی بینند شاید امروز این توهم در میان بود که مخالفان این نظر با جناب آقای دکتر مصدق و حکومت ایشان مخالفند و نمی خواهند که وزارت جنگ تابع نخست وزیر باشد در صورتیکه این تصور صحیح نبود و با لاف در باره هر کس صدق نمینمورد

در یک کشور مشروطه وزارت جنگ مثل تمام وزارت خانه ها مشمول نخست وزیر است و کسی را در بنمورد حرفی نبود نیست نخست وزیر همانطوریکه وزیر دارائی انتخاب میکند حق دارد وزیر جنگ انتخاب نماید و لکن در مقتضیات آنروز و امروز کشور در حالیکه سرتاسر شمال ایران در معرض تحریکات سیاستهای فوق العاده مقتدر خارجی قرار دارد در حالیکه یک میلیون و هفتصد هزار کیلومتر مربع وسعت خاک بتحریكات اجانب در کوره حوادث می سوزد و قبول پست حساس وزارت جنگ بعهده جناب آقای دکتر مصدق که مشغول حل مسائل اساسی خارجی از قبیل نفت و شلات است از طرفی جناب ایشان یک تنه کار یکصد وسی و شش و کیل را در امر قانون گذاری می خواهند انجام دهند و بیتهانی با تمام مشکلات مالی مبارزه نمایند و سرپرست هیئت دولت و مشولیت اداره مملکت را هم داشته باشند کار فوق العاده مشکل بود که

ما چند ماه قبل پیش بینی ناراحتی های کنونی را در ارتش می نمودیم . زیرا تا آنجا که بنده اطلاع دارم اصولا در لحظات حساس عمر یک ملت در یک محیط متشنج که قدرت حکومت و استقلال کشور چیزی بجز اقتدار در ارتش نیست و در قسمت عمده کشور حکومت نظامی وجود دارد و همه جا افراد فرمان آماده باش داده شده وزارت جنگ را باین ترتیب اداره نمیکند که قوه قدرت شخص نخست وزیر بدست افسرانی افتد که هزاران سوء استفاده بنمایند مگر وقتیکه بخواهند ارتش را معدود و منهدم نمایند در غیر اینصورت اشتباهی شده که برای ملت ایران بسیار گران تمام خواهد شد

آقایان محترم قدمهایی که در عرض چندماه اخیر در ارتش و اطلاع جناب آقای دکتر مصدق و تنها بعثت شدت مشغله و بی خبری ایشان در امور نظامی و ارتش در دستگاه وزارت دفاع ملی برداشته شده هر یک تیشه ویران کننده ای بود که بر پایه های ارتش فرود آورده اند معلوم نیست اگر فردا حادثه ای در یک گوشه از کشور پیش آمد و این ارتش با این روحیه متزلزل قادر بمقابله نباشد چه پیش آمد خواهد کرد

آقایان! دنیای امروز دنیایی است که تمام ملل از کوچک و بزرگ برای تأمین استقلال و حاکمیت سیاسی و اقتصادی خود غرق اسلحه شده اند و صلح مسلح بر همه جا حکومت میکند تضعیف ارتش و نیروی نظامی صلاح هیچ ملتی نیست و خیانتی است که نسل های آینده آنرا به سهولت و سادگی نخواهند بخشید شاید بسیاری از افراد بی اطلاع از سیاست دنیا اینطور به پندارند که کشور هائیکه به تقویت بنیه نظامی خود می پردازند حتماً قصد جنگ دارند و چون ماملت صلح جوئی هستیم و با کسی سر جنگ نداریم ارتش هم نمی خواهیم این فکر در بعضی مغزها رسوخ کرده و بفلط همه جا نفوذ داده می شود در صورتیکه این عقیده ناشی از دشمنان حاکمیت سیاسی و ملی ماست و اگر کسانی این عقیده را از روی همین نیت بپذیرند باید اقرار کنند سخت در اشتباه اند در دنیای امروز ارتش فقط برای جنگ نیست بلکه حربه ای هست در دست سیاستمداران و کاردار برنده ایست در جنگ پیشوایان و رهبران ملل که از قدرت و نفوذ و کثرت تعداد و کیفیت آن برای پیشرفت مقاصد سیاسی خود استفاده میبرند ما ملت های کوچک اگر با کسی سر جنگ نداریم و قصد توسعه طلبی و اعمال نفوذ در خارج از سرحدات خود را در نظر نمی - پرورانیم لافل برای حفظ حاکمیت و تأمین امنیت خود در قبال خطر کردن کشان داخلی و تحریکات خارجی نباید این نیروی مقدس ملی را با علم اطلاع متلاشی و مضحک سازیم

مگر این ارتش در دوران خلع ید خدمت نکرد مگر امروز در شمال تنها نگاه

دولت بقدرت ارتش نیست؟ مگر دستگاه حاکمه فعلی در روزهای حاضر که تمام کشور مثل یک قطعه گوشت سرخ شده در تابه حوادث و ناامنیها و آشوب ها می سوزد از این قدرت عظیم ارتش حد اکثر استفاده نمیکند

پس چرا باید از راهی رفت که این آخرین امید ملت ایران نابود و متلاشی گردد؟

همکاران عزیز مستحضر هستید که در ماههای اخیر و حتی ذره فته اخیر عمده کثیری از افسران جوان همین ارتش باز نشسته شده و بروی تمام سوابق و فداکاری ها و جان بازی های این افراد قلم نه کشیده اند حقیقت این است که بنده در باره اخراج افسران و اخراج کارمندان دولت یک عقیده دارم و معتقدم که این هر دو عمل غلط و خطرناک و موجب توسعه ناراضی و خوشحالی دشمنان استقلال کشور مورث پشیمانی فردای ما خواهد بود لکن چون درباره سایر دستگاه های دولتی در این جا گفتگو شده و مسئله ارتش و وزارت دفاع ملی مسئله مرک و حیات مملکت است چند تن که بنام کمیسیون اصلاح وزارت دفاع ملی مؤرد مشورت جناب آقای دکتر مصدق واقع می شوند ممکن است بی اطلاع و یا صاحب سوء نیت و خدای نا کرده پر از حب و بغض های شخصی باشند و شخص آقای نخست وزیر با اینکه حسن نیت دارند متخصص در امور ارتش جنگ و امور نظامی نیستند با اینکه بنده ناچار در این مورد با فشاری حقیقی می پردازم لکن چون بحکم قانون اختیارات عمده کثیری از افسران تحصیل کرده و با کد امن جوان ارتش بدون اعلام دلیل باز نشسته و خانه نشین شده اند با کمال تأسف ناچارم بعرض آقایان برسانم که در میان عمده افسران سی و پنج ساله چهل ساله دیده می رود که چند نفر از آنها بتازگی بزرگ ترین دانشگاه های نظامی جهان را طی نموده اند و دولت برای تکمیل تحصیل هر یک از آنها چندین هزار دلار خرج کرده است باین ترتیب اکنون تمام ارتش مملکت متزلزل است هیچک از افسران بفرای خود مطمئن نیستند زیرا افسرانیکه در سرحدات آذربایجان ، کردستان خراسان و کرمانشاه و خوزستان با جان خود بازی میکنند از کجا مطمئن باشند که فردا حکم باز نشستگی را از تهران برای ایشان نخواهند فرستاد بنده ناچارم بعثت ادانه این وضع اعلام خطر بنمایم

آقایان محترم باز نشستگی امروز حکم مجازاتی را پیدا کرده افسران جوان را بدون معاذ که بدون اعطای حق دفاع از خدمت ارتش اخراج میکنند و آنها را در سبب حال بدنامی سرنگون می سازند و تعجب آن است که کسانیکه مصوبت کمیسیون اصلاح وزارت دفاع ملی را دارند و افسران جوان تحصیل کرده را باز نشسته می سازند که بعضی از

آنها از کثیفترین افسران هستند و بعضی آنها هم سن آنها از شصت و هفتاد هم تجاوز میکند و خود آنها بیش از هر کس مستحق باز نشستگی می باشند تعجب خواهد فرمود اگر بدانید در میان افسران جوان اخیرا باز نشسته شده اند افسرانی وجود دارد که طبق پرونده ای خدمتی تمام مدت بیست (۲۰) داشتند و کوچکترین انحرافی در خدمت نداشته هر یک دارای چندین ساله درجه اول هستند حتی چند ماه قبل با مقامی جناب آقای دکتر مصدق مدال لیاقت درجه ۲ دریافت نمودند و بنده پرونده بعضی از افسران را برای مثال با آقایان ارائه میدهم محمد خواجه نوری سرهنگ و جمه فرقلی صدری سرهنگ دادور سرهنگ وحدانیان سرهنگ دولو خدا شاهد است که معرک بنده در ابراز این مطالب فقط خطری است که از دور احساس میکنم آقای نخست وزیر مجال است سوء نیت داشته باشند حتی اطلاع کامل دارم آقای دکتر مصدق بمأمورین مربوطه دستورات کاملی داده بودند که نهایت دقت بشود بلکه بطور خواهش گفته بودند که اگر چند نفر افسر ناصالح در ارتش بماند بعداً ممکن است تصفیه شود ولی چنانچه افسران درست خدمتگزار بر کنار بشوند موجب دلسردی دیگران خواهد شد اما آقای دکتر مصدق چه گناهی دارد اگر فلان سر لشکر و فلان سرهنگ با بعضی از افسران لایق خرده حسابی دارد و از قدرت مطلق جناب آقای دکتر مصدق سوء استفاده میکنند و اعمال اغراض شخصی را بصورت تصفیه ارتش در می آورند بطوریکه شنیده ام اشخاصی که برای رسیده گی تعیین شده اند از طرف افسران انتخاب شده اند افسران خارج مرکز چه اطلاعی از این انتخابات دارند

آنچه مسلم است که بعضی از افسران از اختیارات جناب آقای دکتر مصدق سوء استفاده نموده و پایه های ارتش ملی با متزلزل و روحیه افسران جوان را افسرده نموده من امیدوارم این تذکرات بنده مورد توجه دولت واقع شود با تعیین کمیسیون عالی تری تجدید نظری در وضع افسران شریف عمل آید چنانچه افسری هم خاصی است بداد گاه بسیاری تادرسایه قانون مجازات برسد که موجب عبرت دیگران بشود و باز نشستگی که علامت یک عمر خدمتگزاری بدرستی و صحت عمل است بصورت مجازات در نباید مینماید که در تمام دنیا مرسوم است افسرانی که بسن پارت نشستگی میرسند با اظهار قدر دانی و تشویق از خدمت کنار میروند اینک بصورت مبتدلی افسران را بعنوان مجازات باز نشسته نمایند باین ترتیب از توسعه ناراضی در ارتش جلوگیری بعمل آید و موجبات دلگرمی خدمتگزار افسران را فراهم نمایند

سنگین و دروغ از آقایان افسران که بیرونده شان  
 دست بده رفته که خود جناب آقای -  
 هست وزیر هم این دو نفر آقایان را خوب  
 شناسند یکی آقای سرهنگ محمد خواجه  
 پوری است که یک مدال لیاقت و مدال سیه درجه  
 و درجه یک بهش داده اند وقتی یک بخشنامه ای  
 صادر شد باین شکل صادر کرده برای این افسر  
 بده عین بخشنامه ستاد ارتش را با اجازه آقایان  
 بجا می آوردم.

ستاد ارتش - بخشنامه - بطوریکه  
 که بدون بازرسی اسلحه و مهمات اداره  
 خاطر ارتش و واحدهای مرکز اعلام داشته  
 نظر بابت کار و علاقه مندی سرهنگ ستاد محمد  
 خواجه پوری فرمانده هنگ ۵۳ دربان در مرتب  
 نمودن مخزن مهمات و حفظ و نگاهداری اسلحه  
 مهمات واحد مربوطه معمول داشته بدین  
 وسیله از خدمات وی تقدیر انتظار دارد سایر  
 افسران با توجه مسئولیت خطیری که در حفظ  
 و نگاهداری اسلحه و مهمات جمعی خود دارند  
 بنامبرده تاسی نموده و جدیت لازم معمول  
 دارند بدیهی است در طی بازرسیهاییکه  
 بعمل خواهد آمد لیاقت و شایستگی این -  
 قبیل افسران مورد توجه ستاد ارتش بوده و  
 بوقوع تشویق خواهند گردید.

رئیس ستاد ارتش - سرلشکر گرزین  
 رئیس رکن ۴ ستاد ارتش - تیب تکش  
 البته اینها و اوراقی را نشان دادند در حدود  
 آورده است که همه مربوط به تشویق این افسرانست  
 و مربوط به هدایای است که بهش داده اند و اینهم  
 بیرونده خدمتش است که در تمام مدت خدماتش  
 مورد توجه بوده و فرماندهانش باین نمره ۲۰ داده  
 اند و سنش هم گمان نمیکنم بیش از ۳۰-۳۵  
 سال باشد افسری است که دانشگاه جنگ هم  
 دیده است این افسر را باز نشسته کرده اند  
 و یکی دیگر هم سرهنگ تمام جعفر قلی صدری  
 است که این خلاصه گزارشش است که ستاد  
 ارتش باین کمیسیون داده است و در تمام  
 موارد از سال ۱۳۲۶ بتمام خدماتش نمره  
 ۲۰ داده اند بامضای سرلشکر معتضدی نمره  
 ۲۰ داده بامضای سر تیب زنگنه نمره ۲۰  
 داده بامضای سرلشکر مقبلی و آخرین -  
 فرماندهش هم که سر تیب مظهری است ایشان  
 هم باین ترتیب باین افسر نمره ۲۰ داده و یک  
 بخشنامه دیگری اینجاست که سال گذشته  
 آقای سرلشکر بهارمست که رئیس بازشیستگی  
 ارتش بودند خودشان صراحتاً اظهار عقیده  
 کرده اند که باز نشستگی را نمیشود برای  
 افسران مجازات تلقی کرد و ما نمیتوانیم  
 افسرانی را که تحصیل کرده اند بدون جهت  
 باز نشسته بکنیم مگر این که بسن باز نشستگی  
 برسند و من تمحی میکنم که خود ایشان که  
 حال رئیس ستاد ارتش هستند چرا یکمده از  
 افسران را بدون جهت باز نشسته کرده اند  
 و بطوری که بنده اطلاع دارم خود آقای  
 نخست وزیر هم با اشتباه کمیسیونهایی برده  
 اند و دستور معضی صادر نموده اند بنده  
 میخواهم از اینجا خواهش کنم افسرانی که

حقیقه بسن باز نشستگی رسیده اند و باید  
 از کار کنار بروند آنها را کنار بگذارند و  
 افسرانی که جوان هستند مثلا چند نفر -  
 سرهنگ بنده سراغ دارم که سه هفته قبل از  
 آمریکا آمده اند و چندین سال اینها در  
 آمریکا تحصیل میکردند بنده بایکی از مقامات  
 ارتش صحبت می کردم ایشان گفتند که پول  
 تحصیل اینها را دولت آمریکا داده گفتیم چه  
 فرقی میکند دولت آمریکا داده و یک منتهی  
 سر این ملت بدبخت گذاشته که چند نفر رفته  
 اند در آنجا تحصیل کرده اند این افسران یکی شان  
 سرهنگ وجدانیان است سرهنگ فیوضی است  
 اینها را باز نشسته کرده اند و بنده اطمینان قطعی  
 دارم که آنها سوء نیت در این کارها داشته  
 اند آقای نخست وزیر باید دستور بفرمایند  
 که در این سوء نیت ها تجدید نظر بشود  
 در خصوص شبلات هم عریضی داشتم چون  
 وقت گذشته است بیهوده مو کول میکنم ولی  
 امیدواریم که خدا توفیق بدولت عنایت  
 فرماید که افتخار خلع شبلات هم مثل نفت  
 جنوب از افتخارات حکومت آقای دکتر  
 مصدق محسوب شود

نایب رئیس - آقای شهیدی

شهیدی - چند روز پیش بود که  
 دیدیم ملت ما بار دیگر وفاداری خود را بنهضت  
 مقدس ملی نشان داد و یکبار دیگر بدین  
 اعلام کرد مبارزه برای محو کوچکترین  
 آثار شوم استعمار ادامه دارد ملت ثابت  
 کرده که همچنان بر عقیده خود راسخ و استوار  
 است و اگر امپراطوری ارزان و در هم ریخته  
 انگلستان هنوز ظفره و تامل و مرور ایام را  
 بعنوان وسیله در دست دارد و بامید روزی  
 نشسته است تادوات های دست نشانده تادوات  
 هائیکه باملت فاصله دارند روی کار آمده  
 و ایران فروشی کنند (نایب رئیس - تأمل  
 به مابعد اکثریت نیست) پس از لحظه ای  
 اکثریت حاصل شد (بفرمایند) باید از جنبش  
 عظیم از صدای موزون و از غر شملت بیدار  
 ایران که دیروز از پشت زنده های آهنین و  
 حصار مجلس مقدس شورای ملی بگوش جهانیان  
 میرسید عبرت گیرند دیروز ملت ایران و  
 نمایندگان مردم باردیگر تجدید عهد کرده  
 و سند قیام ملی را تسجیل و تأیید نمودند مردم  
 و برگزیدگان آنان دکتر مصدق را در دفاع  
 از حق و حقیقت و تسلیم نشدن بنظریات غیر  
 عادلانه انگلستان تأیید کردند اکنون مسلم  
 گردیده که ملت ایران جهت و هدف خود را  
 تشخیص داده و برای رسیدن بمقصود صف  
 هارامیشکافد و موانع را طرد میکند ملتی که  
 اعتماد کامل خود را با چنین احساسات پاک  
 بدولت ابراز مینماید در مقابل از قلب تهران  
 تا نقاط دور افتاده همگی یکصدا خواستار  
 اصلاحات اساسی هستند از وزیر کشور دولت  
 ملی جناب آقای دکتر مصدق امت و آسایش  
 میخواهد از وزیر دادگستری قاضی خوب و  
 اجراء صحیح و سریع قوانین عدالت اجتماعی  
 را طالب است از وزیر فرهنگ بسط و تعمیم

فرهنگ و انتخاب آموزگاران و دبیران فاضل  
 و وطن پرست را مترصد است و بالاخره از این  
 دولت ملی انتظار دارد که بهداشت و امنیت  
 اجتماعی اورا نگذارد در مخاطره فرار گیرد  
 این دولت چون موقوف اراده مردم است باید  
 برنامه خود را با خواسته اجتماع تطبیق کند  
 این ملت بیدار این ملت شرافتمند هزاران درد  
 بیدرمان دارند هزاران آرزو دارند من به  
 مشکلات مالی کشور واقفم و تکلیف محال  
 نمیکشیم ولی لااقل باید قدمی برداشته شود  
 که بدانند دوران حرف و وعده تمام شده باید  
 بکارگزاری و کمیسیون سازی در وزارتخانهها  
 خاتمه داده شود (جلالی - صحیح است) لواطح  
 مفیدی را که در مدت شش ماه اختیارات بامضاء  
 آقای نخست وزیر رسیده با حسن نیت اجرا  
 نمود در مقابل مردمیکه حاضر هستند در  
 سخت ترین شرایط زندگی بسر ببرند ولی  
 تسلیم بیگانه نشوند در مقابل مردمیکه بسا  
 گرسنگی و برهنگی میسازند و نغمه های  
 تجزیه طلبی و اسارت و عقائد اشتراکی را  
 در سینه صاحبان اینگونه عقاید خفه میکنند در  
 مقابل ملتی که حاضر است با خون خود از  
 خاک و زادگاه و بوجوب دفاع نماید باید  
 فضیلت و شرافت تقوی صداقت و فداکاری  
 نشان داد.

ما که نمایندگان مردم هستیم دست  
 شمار برای اصلاحات باز گذارده ایم و  
 هیچگونه تقاضایی جز خواسته مردم از شما  
 نخواهیم داشت چه ما بهمان اندازه که بحسن  
 عاقبت کار امیدوار هستیم یقین داریم اگر  
 در حریم دکتر مصدق وزیر با عضو مؤثری در  
 انجام وظیفه خود قصور ورزیده یا آنکه راه  
 خط و خطا را بیسود ملت تیرین و هوشتیار  
 ایران فراموش نخواهد کرد.

بآقای وزیر کشور گفتیم اگر در مجازات  
 مرتکبین تسامح و بیرونده بازی شود نظایر  
 این شرارتها در شهر کار گری و استان  
 کشاورزی اصفهان فراوان اتفاق خواهد  
 افتاد و خطر آن از لحاظ محیط بسیار مهم  
 و قابل دقت خواهد بود متاسفانه با منتظر  
 خدمت کردن یک افسر جوان و یک پاسبان  
 تعقیب جدی قضیه مسکوت ماند و نتیجه آن شد  
 که دو هفته قبل هفتاد نفر ماجراجو از اصفهان  
 برای غارت مردم به نجف آباد هجوم بیاورند  
 که خود مردم آنها را دستگیر میسازند.  
 یک هفته قبل در قریه اسکندری عده ای مضروب  
 و غارت شده اند و سه روز قبل در قریه افوس  
 فریدن جماعتی بمجلس روضه خوانی حمله ور  
 و عده مقتول و مجروح میگردند عده متعددی هم  
 که از ازافهای بیسورد دولتهای نالایق  
 گذشته جری شده اند به کشاورزان زحمت  
 کش و وطن پرست شهرستان فریدن انواع  
 تعدی و شکنجه را وارد میسازند من از دولت  
 تقاضا دارم چون طبق اطلاع موثق بیگانگان  
 در منطقه فریدن بین کشاورزان دست به  
 تحریکاتی زده اند دستور فرمایند فرمانده  
 کلزاندان مری و فرمانده لشکر اصفهان هم  
 که هر دو نفر افسرانی شایسته و لایقی هستند  
 حفظ انتظامات قریه افوس را قبل  
 از وقوع وقایع دیگری بعهده بگیرند  
 و یادگان خود را در منطقه شهرستان فریدن  
 تقویت نمایند.

من اصولاً از عدم توجهی که آقایان  
 وزیران نسبت باوضاع عمومی اصفهان نشان  
 می دهند بسیار متأسف و کله مند اصفهان  
 یکی از افتخارات تاریخی ایران است  
 آثار تاریخی و صنایع ظریفه آن چشم جهانیان  
 را خیره کرده مردم زنجیر و وطن پرستش  
 در نهضت های ملی پیشقدم و فداکاری کرده اند  
 امروز کارخانه های این شهر مرکز و منبع  
 اعاش و ارتزاق هزاران کارگر شریف و  
 زحمتکش است در شرف تعطیل است بارها  
 گفته ام اگر علاقمند بحفظ کارگران کشور  
 هستیم در حفظ این کارخانه ها که با خون جگر  
 تهیه شده بکوشید در ترویج صنایع وطنی  
 بانظارت کامل در تولید و مصرف و  
 جلوگیری از ورود کالای مشابه خارجی قدم  
 های مؤثری بردارید برای تقویت بنیه ملی  
 آنها لااقل مطالباتشان را بدهید و حق هم  
 این مطالب و نکات لازم و مؤثر را در زیر  
 پر و نده های وزارت خانه ها لایق میشوید -  
 آمیدید بکنیم با شما چه بکنیم بولی که خون در  
 نظن اگر قریه ها بدون مجازات این شهر تاریخی  
 را بکشند بنده بولی بفرمایند که کارگران بید

وضع عمومی مردم خوب نیست اینست  
 که سرچشمه اصلاحات امنیت یعنی همان  
 نعمتی که بدون وجود آن کوچکترین  
 انجام کار مفید مبسر نیست طبق آمال و  
 خواسته مردم وجود ندارد تحریک بیگانگان  
 و فقر عمومی دست بهم داده اند و هر روز در  
 گوشه ای از این مملکت قتل و کشتار و غارت  
 صحنه های رقت آوری را بوجود می آورد و  
 یقین دارم اگر بایک تصمیم جدی و عاقلانه  
 مرتکبین این وقایع بسختی مجازات نشوند  
 دامنه آن وسیع خواهد شد و دیگر باسانی  
 رفع آن امکان پذیر نخواهد بود.  
 سرچشمه شاید گرفتن به بیل  
 چه بر شد شاید گرفتن بیبیل  
 (احسن)

در این موقع آقای وزیر کشور وارد  
 جلسه شدند (اتفاقاً جناب آقای وزیر  
 کشور هم تشریف آوردند از طرف وزیر کشور  
 موضوع امنیت در شهرستانها و در  
 قبل که در جلسه ای در تهران در روز  
 با حضور مأمورین انتظامی و حقیقه شهر  
 اصفهان را غارت کردند در پیش این ترتیب

مردم را با تغییر عنوان استانداری و پیشکاری تشدید میکنند الان مردم اصفهان این عمل را خفت و اهانت تلقی کرده اند من این نکته را چندین قبل بجناب آقای نخست وزیر عرض کردم و کتبا هم باین عمل اعتراض نمودم حالاهم از جناب آقای وزیر کشور انتظار دارم اگر چنین تصمیمی اتخاذ فرموده اند منصرف شوند - ضمناً قطعنامه از کلیه مدیران جرائد اصفهان رسیده و نسبت بانتهاب اعضاء هیئت منصفه اصفهان اعتراضاتی دارند که چون ایرادشان نسبت به بعضی از آنها وارد است عیناً جهت امر با اقدام تقدیم مقام ریاست میکنم

موضوع دیگر وضع رقت آور کشاورزان است که خود شاهد پریشانیها و محرومیت های کشاورزان نجیب فریدن و تمام نقاط حوزه انتخابیه ام هستیم تنها مؤسسه که می تواند به کشاورزان کمک کند و نگذارد دسترنج ناچیزشان قبل از بدست آمدن محصول نصیب سودپرستان وسفته بازان و محترکین گردد بانک کشاورزی است اما متأسفانه سرمایه و مقررات این بانک در بهبود وضع کشاورزان مفید نخواهد بود دولت هم باین مؤسسه عام المنفعه آنطور که باید و شاید توجهی نمیکند حتی اعتباری که بموجب تصویب قانون پایستی باین بانک داده شود هنوز داده نشده از قرار اطلاع مدیر کل فعلی بانک کشاورزی که خود آشنا بمصائب کشاورزان است پروژه های اصلاحی برای توسعه این بانک و تقلیل ربح و دستمزدها تهیه نموده که اگر کمکی باو بشود قسمت عمده گرفتاریهای کشاورزان حل خواهد شد آقایان اکثریت محروم از ارضین و کشاورزان زحمتکش تشکیل می دهند و در مقابل عرق ریزی و پینه دست این طبقه یک اقلیت غافل و بی انصاف و سر بار در بهترین وضع خوشگذرانی بسر میبرند ولی خود آنها در بدترین شرائط عمر طی مینمایند این است که توجه عموم همکاران محترم را باین نکته اساسی معطوف میدارم.

موضوع دیگری که یک قسمتش را آقای میراشرافی اشاره کرد و در راجع با افسران بود ولی بنده بطور کلی راجع بوضع کارمندان عرض میکنم که توجه بان در شرائط و وضع حاضر بسیار مؤثر است یکی تزلزلی است که در بین کارمندان دولت حکم فرما شده و دیگر ترفیع ندادن بر عده از افسران جوان ارتش و ژاندارمری است الان این بازنشسته کردنها بی تناسب و منتظر خدمت کردن های بدون دلیل امنیت فکری و روحی مستخدمین دولت در هر طبقه که هستند سخت متزلزل ساخته روی آنها عدم امنیت فکری کارهای وزارتخانه ها و ادارات فلج شده شما در هر کجا میروید از سیمای افسر و درنگ پریده مستخدمین این کشور که عمری را در سخت ترین

شرایط بسر برده اند روح یأس و نا امیدانی استنباط میکنید مقدرات کارمندان نجیب و تیره بخت را بدست کمیسیونهای سپرده اند که در صلاحیتشان تردید نیست مقیاس و قاعده برای این کمیسیونها در دست نیست حب و بغض در تصمیماتشان دخالت داشته ترتیب بازنشسته کردن کارمندان ثبت با سایر وزارتخانه ها متفاوتست در صورتیکه همه تابع یک دولت و مطیع یک مقررات استند الان چند نفر از شریفترین و فاضلترین و جوانترین کارمندان ثبت اصفهان را بدون دلیل بازنشسته کرده اند در صورتیکه چندین نفر کارمند از کار افتاده و واجد شرایط بازنشستگی صندلی های آن اداره را اشغال کرده اند برای یک کشور مشروطه که دارای قانون اساسی و قوانین جامعی است بسیار نایبند است که پنجنه بدون هیچ شرط و صفتی بنشینند و بگویند چون حسن تعظیم نمیکند علی قیافه اش زنده است تقی بی ادب است باید بازنشسته یا منتظر خدمت و زائد بر سازمان تشخیص شود آقایان ما خودمان طبق قانون برای رمال و قاپ باز شاگرد شوهر حق دفاع قائل شده ایم ولی باید ببینیم که از کارمندان دواثر مایه یعنی طبقات فاضله کشور ما بدون شنیدن دفاع سلب حیثیت و آبرو می نمایند و سکوت اختیار نمائیم - جوانیکه با خون جگر خوردن پدر و مادر پس از ۱۵ سال تحصیل و لیسانس به شدن حالا که موقع استفاده پدر و مادر از وجود اوست بتشخیص کمیسیون پنج نفری از تمام مواهب موجودیت محروم میشانند و یک فرد سالم و عالمی را عمدتاً بطرف دستجات ناسالم و جاهل سوق میدهند اصلاحات وزارتخانه غایت آمال قاطبه ملت ایران است ولی نه با این سیستم و این طریق غیر منصفانه قاضی دزد را باید طرد کرد کارمند نا پاک را باید اخراج نمود ولی با مجا که و صدور حکم مراجع قانونی چرا اگر یک قاضی صدها حکم ناحق داد و خانواده هائی را بضاک سیاه نشانده امروز باید فقط بازنشسته یا سلب صلاحیت از او بشود این قاضی باید زندان برود مجا که شود به مردم شناخته شود این رویه اسمش مجازات نیست تشویق خائنین و تشبیه خادمین است یک کارمند دولت اگر عمری را دزدی کرده رشوه گرفته مرتکب اختلاس شده چرا باید فقط بازنشسته شود باید مجا که شود حبس شود پول مملکت را هر چه برده و خورده از او وصول کرد نه اینکه بدانیم دزد بوده یا خجسته مغازه ها خریده تجارتخانه ها برپا کرده ولی تمام این اوصاف باز نشسته شود آن وقت در مقابل افراد آلوده و ناپاک کی بنام مدیر کل و رئیس کل فرمانفرمای ده الی بیست اداره مهم اقتصادی شوند با همین بی ترتیبی ها در مورد افسران جولن و وطن پرست ما بیعدالتی ها شده بجای آنکه از کمیت بکاهند و بر کیفیت بیفزایند از کمیت و

کیفیت هر دو بلفظ و اشتباه کاسته اند من در مورد افسریکه از ترفیع محروم شد کرده بودند و مضطربانه اشک میریخت و از خدماتش قصه ها میگفت تحقیق کردم معلوم شد گناهش این بود که صاحب خانه اش بواسطه تأخیر یکماه پرداخت مال الاجاره مجازات بصورت اجرائیه نموده و نسخه دوم برك اجرائیه روی پرونده پرسنلی این افسر بایگانی بوده آخر انصاف بدهید افسریکه حقوق ماه قبل را دو ماه بعد میگیرد چگونه می تواند در سر موعد اجاره منزل را بپردازد تقصیر با کیست یا فرض بفرمائید خانم این افسر با بقال سر گذرد عوایش شده است آن شکایت کرده اینرا نباید از ترفیع محروم شد ترفیعات اکثر افسران را باین عنوان بایمال کرده اند ضمناً قطعنامه است از طرف جراید اصفهان مبنی بر انتخاب هیئت منصفه و طوماری هم توسط آیت الله میلانی راجع به قانون انتخابات رسیده که آنرا هم تقدیم مقام ریاست میکنم و بقیه وقت را هم بجناب آقای دکتر فاخر تقدیم میکنم

**نایب رئیس** - دیگر وقتی باقی نمانده سه دقیقه هم بیشتر صحبت فرمودید آقای نریمان **فریهمان** - بنده هم از اینکه جناب آقای وزیر کشور اینجا حضور دارند تشکر می کنم چون عرایض مربوط به لایحه اتوبوسرانی است عرض کنم چون بملت بلام تکلیف مانده پیشنهاد صدی ۵۱ سهام اتوبوسرانی باید طبق مفاد ماده ۱۶۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای ملی نسبت باین پیشنهاد تجدید برای بشود و از طرف دیگر ممکن است در جریان بحث راجع به پیشنهاد صدی ۲۰ نوبت صحبت و اظهار نظر و ذکر دلایل مخالفت به بنده نرسد این است که با استفاده از اجازه نطق قبل از دستور توضیحاتی راجع باین دو پیشنهاد بعرض مجلس شورای ملی میرسانم:

اول- پیشنهاد تخصیص صدی ۲۰ سهام شرکت واحد اتوبوسرانی بشهرداری رئیس مطالب و مواد اساسی این پیشنهاد که تحت شماره ۱۵۳ طبع و توزیع و در دستور مجلس شورای ملی قرار دارد اینها هستند (الف) وزارت کشور مکلف است برای انتظام اتوبوسرانی عمومی شهر تهران و توابع یک شرکت واحدی بوسیله شهرداری تأسیس نماید (ب) هشتاد درصد سهام شرکت در مقابل بهای اتوبوسها متعلق بمالکین قبلی و بقیه بیست درصد سهام غیر نقدی بوده در ازاء مزایا و منافع شهرداری متعلق بشهرداری تهران خواهد بود (ج) هیئت مدیره شرکت از ۵ نفر تشکیل میشود که از لحاظ حفظ مصالح عمومی ۳ نفر از آنها بانتهاب انجمن شهر و دو نفر دیگر بانتهاب سایر صاحبان سهام تعیین خواهد شد

معایب و مضار این پیشنهاد عبارتند از اینهاست (۱) پیشنهاد طوری تنظیم شد روشن نیست که آیا این شرکت را اتوبوسرانی دارای حق انحصاری یا یاخیر؟ آیا با این قانون کسان دیگر خواهند توانست اتوبوسهای عمومی را از آنها در شهر بهره برداری کنند؟ بودن این مسئله یکی از نواقص این پیشنهاد است از دو حال خارج نیست - یا نظر از است که این شرکت حق انحصاری اتوبوسرانی را داشته باشد در این صورت از مطلب باید در این لایحه بطور روشن صریح ذکر شود تا ابهامی باقی نماند یا مقصود اینست که شرکت واحد بدر استفاده از حق انحصاری آن شرکت واحد تشکیل شود که در این صورت مالکین فعلی اتوبوسها نه اعتبار و نه نفی در مشارکت در آن خواهند داشت زیرا با آزاد بودن اتوبوسرانی آنها ترجیح خواهند داد خودشان مستقیماً عمل کنند و صد درصد عایدات را خودشان ببرند تا با شهرداری شرکت کرد فقط صدی ۸۰ منافع بانها برسد - اگر اتوبوسرانی عمومی شهر آزاد باشد انحصاری در بین نباشد تشکیل شرکت واحد نه معنی خواهد داشت نه عملی خواهد بود و نه منظور دولت را که حفظ منافع عمومی است تأمین خواهد کرد

(۲) عیب بزرگ دیگر این پیشنهاد اینست که اصل منطقی و معقول حکومت اکثریت آراء صاحبان سهام را امتزاز و تلفظ میکند انتخاب اعضاء هیئت مدیره شرکت از وظایف و شئون مجمع عمومی است و انهم منوط برای اکثریت صاحبان سهام میباشد و چون شهرداری فقط دارای یک پنجم از سهام شرکت است بالطبع دادن حق انتخاب اکثریت اعضاء هیئت مدیره بدارنده یک پنجم سهام شرکت ناقص اصل مسلم بوده و برخلاف قاعده کلی می باشد

(۳) با وجود و بفرض اینکه اکثریت هیئت مدیره شرکت بطور تصنیفی در دست شهرداری باشد باز منظور تأمین نخواهد شد زیرا هیئت مدیره قانوناً موظف است در حدود تصمیم های مجمع عمومی عمل کند و این تصمیم ها را اکثریت صاحبان سهام که دارنده صدی ۸۰ سهام هستند عبارت از مالکین فعلی اتوبوس هستند اتخاذ میکنند پس با ترتیب پیشنهادی زمام امور در دست انجمن شهر نخواهد بود و منافع عمومی تأمین نخواهد شد - اگر هیئت مدیره اوامر و دستورات مجمع عمومی صاحبان سهام را اطاعت نکند که برخلاف قانون عمل کرده و هر چه و مرج ایجاد میشود

اگر بکنند نتیجه مطلوبه بدست خواهد آمد.

(۴) اگر برای حفظ تأمین منافع عمومی اجبار داریم که اتوبوسرانی عمومی را بیک شرکت واحد تخصیص بدهیم و آنرا در انحصار این شرکت در آوریم و دیگران را از این استفاده و بهره برداری محروم کنیم علت ندارد برای همیشه صدی ۸۰ منافع آتی این انحصار را بیکسده ای که وضع اتوبوسرانی تهران را باینصورت زنده و غیر قابل تحمل در آورده اند تخصیص بدهیم و نگذاریم لاقلاً شهرداری که مال خود مردم است قسمتی از منافع اینکار پیش از صدی ۲۰ بهره مند شود - آیا اعتراضند؟

سرمایه کافی است که شهرداری را برای همیشه از منافع قابل توجه اتوبوسرانی محروم کنیم حق این است که شرکت واحد اتوبوسرانی تماماً متعلق بشهرداری باشد و تمام منافع آن بمصرف امور شهر برسد - متأسفانه نظر نداشتن سرمایه انسان را مجبور می کند که به حداقل که همان صدی ۵۱ است قانع شود - چرا می خواهید این حداقل را به صدی ۲۰ تنزل بدهند قانع شدن صدی ۲۰ منافع انحصار اتوبوسرانی برای شهرداری ظلمی است مردم و جامعه اینکار را نپذیرند.

(۵) اگر در نتیجه ترقی هزینه های بهره برداری فرضاً شهرداری مجبور شود نرخ کرایه را قدری ترقی دهد و این ترقی ایجاب نماید که مثلاً ده دینار نرخ کرایه افزوده شود چون واحد ده دینار رایج نداریم شهرداری مجبور شود بیای ده دینار ۵۰ دینار بر نرخ اضافه بکند.

اگر در یک چنین موردی تمام سرمایه مال شهرداری باشد صدی ۵۰ (۴۰) دینارهای اضافی عاید شهرداری یعنی خود مردم میشود ولی با ترتیب پیشنهادی صدی ۸۰ آن پولهای اضافی بجنب مالکین فعلی فرو خواهد رفت.

چرا بگذاریم شهرداری لاقلاً تا میزان صدی ۵۱ از آن درآمد استفاده نکند و چرا بشهرداری که مال مردم است این ضرر را بزنیم؟

شاید سوء تفاهمی برای بعضی ها باشد که این پیشنهاد صدی ۲۰ نتیجه کمیسیون است که چندی قبل برای مطالعه لایحه اتوبوسرانی و پیدا کردن راه حل تشکیل گردید.

بنده که در این کمیسیون شرکت داشتم عرض میکنم که بهیچوجه اینطور نیست و توافقی در کمیسیون پیدا نشد آقای مجلس حسینی نماینده محترم که در کمیسیون شرکت داشتند صحبت از تخصیص صدی ۲۰ شهرداری فرمودند ولی این صحبت بشکل خیلی خوبی هم داشت و آن این بود که در عوض منافع صاحبان صدی ۸۰ سهام محدود بیک میزانی باشد و مازاد آن

متعلق بشهرداری شود مثلاً بگوئیم اگر منافی که به صدی ۸۰ بقیه سهام تعلق می گیرد بیش از فرضاً صدی ۱۲ یا ۱۵ در سال شد مازاد آن بشهام شهرداری تعلق داشته باشد (مجلس حسینی صحیح است) متأسفانه فکرت تخصیص صدی ۲۰ سهام بشهرداری در ذهن تنظیم کنندگان پیشنهاد فعلی ماند ولی تعیین حد اکثر و حدودی برای منافع دارندگان بقیه صدی ۸۰ سهام فراموش شد.

دوم پیشنهاد تخصیص یافتن صدی ۵۱ یا اکثریت سهام شرکت واحد اتوبوسرانی به شهرداری این پیشنهادی است که سابقاً تقسیم شد و نسبت بدان باید تجدید رأی بشود اساس و روش این پیشنهاد این است:

(۱) دولت مکلف است بوسیله وزارت کشور اتوبوسرانی عمومی شهر تهران و توابع را بشرکت واحدی که ۵۱ درصد سهام آن متعلق بدولت و شهرداری قانونی خواهد بود (کریمی - نظرات را اصلاح فرمودید آنموقع فرمودید که قرض کنیم و بخریم) نه خیر صورت مجلس یکشنبه را ملاحظه فرمائید بنده چیزی اضافه نکرده ام و ۴۹ درصد بقیه سهام آن متعلق باتباع ایران باشد.

(۲) حق انحصاری اتوبوسرانی عمومی شهر بمیزان ۲۰ درصد کل سرمایه شرکت سهام پرداختی دولت بوده و بقیه سی و یک درصد سهام سرمایه تمهدی دولت محسوب می شود و مجموع ۵۱ درصد سهام دولت بمحض تشکیل انجمن قانونی شهر شهرداری انتقال می یابد.

مشخصات و مزایای این پیشنهاد این است:

(۱) انحصار در قانون تصریح شده

(۲) وقتی صدی ۵۱ یا اکثریت سهام شرکت که نصف بعلاوه یک است در دست شهرداری باشد آنوقت چه در مجموع عمومی وجه در هیئت مدیره شرکت اکثریت بطور طبیعی و غیر تصمی در دست شهرداری خواهد بود.

(۳) انحصار بیک شرکتی که سهام عمده آن مال شهرداری یعنی خود مردم است داده می شود نه بیک شرکتی که اکثریت سهام آن متعلق بمالکین فعلی اتوبوسرانیست.

(۴) صدی ۲۰ از سهام شهرداری حق لامتیاز یا حق انحصاری است و از این باب شهرداری سرمایه نمی دهد و بیول احتیاج ندارد.

(۵) بقیه صدی ۳۱ سهام شهرداری یک سوم تمهدی است که هر وقت عملیات شرکت توسعه پیدا کرد پرداخت آن از طرف شهرداری مورد بیاد خواهد نمود.

(۶) چون صدی (۳۱) سهام شهرداری سرمایه تمهدی است فعلاً برای پرداخت آن احتیاج به استقرار از بانک ملی نخواهد بود و ندریجاً ممکن است این صدی ۳۱ از

محل درآمد و منافع سالانه صدی ۲۰ تأمین و پرداخت شود.

(۷) چون فقط صدی ۴۹ سرمایه که متعلق بمالکین فعلی است و صدی ۳۰ شهر داری سرمایه پرداختی آن ها خواهد بود. باین جهت فعلاً منافع بین این صدی ۶۹ تقسیم می شود و ضرری بمالکین وارد نمی شود.

(۸) در صورتیکه توسعه عملیات شرکت پرداخت سرمایه تمهدی شهرداری را ایجاب نمود نتیجه اضافه عایدی و درآمدی که از این توسعه عملیات بدست می آید بمصرف پرداخت منافع این سرمایه پرداختی خواهد رسید و بالتبع با سهم صدی ۴۹ لطمه وارد نخواهد شد.

بنده قضاوت بین این دو پیشنهاد را بنظر صائب آقایان نمایندگان محترم میگذارم و باریگر در خاتمه اضافه میکنم که درست است که از لحاظ تقسیم منافع بین پیشنهاد صدی ۵۱ و صدی ۲۰ در اول کار شرکت تفاوتی نخواهد بود ولی بتدریج توسعه عملیات شرکت و احتیاج بسرمایه اضافی صدی ۳۱ سرمایه تمهدی شهرداری پرداخته خواهد شد و منافع آتی باین صدی ۳۱ نیز تعلق خواهد گرفت و باین ترتیب بالمال سهم شهرداری از منافع صدی ۵۱ کل خواهد رسید در صورتیکه با پیشنهاد صدی ۲۰ هیچ وقت بیش از یک پنجم منافع شهرداری نخواهد رسید.

این بود جواب آقای وزیر کشور ولی باید باز تکرار کنم که حق این است تمام سرمایه شرکت را شهرداری بپردازد که در حسن تنظیم و مرتب کردن امور آن درآمد سیر شار اتوبوسرانی کمک بیودر شهرداری بکنند.

توجه فرمائید جناب آقای وزیر کشور عرض کنم که بطور کلی تصور هم نشود که دولت یار دستگاههای عمومی بطور کلی تاجر خوبی نیستند زیرا اگر تاجر خوبی نمیتواند باشند برای این است که مجبورند منافع عمومی را رعایت کنند.

**۳- تقدیم یک فقره سؤال از طرف آقای هدی**

**نایب رئیس** - حالا وارد دستور میشویم آقای هدی

**هدی** - بنده یک عرضی داشتم یک سؤالی کرده ام از جناب آقای وزیر راه که تقدیم مقام ریاست میکنم

**۴- سؤال آقای کهید راجع به لیره ای که بانک ملی بفتح انگستان پرداخته و جواب آقای معاون نخست وزیر**

**نایب رئیس** - بطوریکه همکار محترم جناب آقای ذوالفقاری در جلسه گذشته اعلام فرموده بودند نظر بر اینست که تا آن

جائیکه وقت هست اول بسؤالات بپردازیم و بعد اگر فرصت شد لایحه را مطرح کنیم آقایان اگر موافقت دارند بهمین ترتیب عمل بکنیم آقای دکتر ملک اسمعیلی فرمایشی داشتند فرمائید

**معاون نخست وزیر (دکتر ملک اسمعیلی)** - در حکومت های ملی یعنی حکومت مردم بمردم یکی از راههایی که برای نظارت در اجرای قوانین موجود است همان سؤالات است که آقایان نمایندگان محترم از دولت های وقت میکنند و این سؤالات نمونه ای از علاقه فراوان نمایندگان است بامور مملکت و رفاه و آسایش مردم در جلسات اخیر سؤالاتی شده سؤالات متعددی از دولت و آقایان وزراء که همیشه آقایان وزراء آمده اند حاضر شده اند برای اینکه فریضتی بدست بیاورند و جواب باین سؤالات بدهند ولی متأسفانه فرصت نشده و آقایان وزراء از کارهایشان بازمانده اند.

بنده تقاضا میکنم از ریاست محترم مجلس شورای ملی و از آقایان نمایندگان راجع باین سؤالات یک توجه خاصی به فرمایند بعضی از این سؤالات مربوط به مسائل روز است که وقتی موقع آن بگذرد تا اصلاً موضوع منتفی می شود و بعضی از آنها واقعا از نظر مملکت اهمیت دارد و اگر این سؤالات در همانروز و موعده قانونی بموجب ماده ۱۶۹ که یک هفته مقرر کرده مطرح نشود بکلی آن اثر خودش را از دست می دهد (صحیح است) بنده از آقایان تقاضا دارم با علاقه ای که بسؤالات دارند واقعا وقتی هم پیدا بشود که آقایان وزراء وقتی می آیند در مجلس حاضر می شوند برای جواب دادن وقتشان تلف نشود و جواب سؤالاتشان داده شود. از جمله سؤالی است که آقای کهید کرده اند راجع بیانک ملی ایران و اینکه در آنموقع ضرری به مملکت وارد آمده و این خیلی اهمیت دارد و از نظر جزائی هم قابل دقت و مطالعه است و تمام سؤالاتی که شده است جواب آنها الان حاضر است آقایان توجه فرموده اند که بنده در هر موقع مخصوصاً تقاضا کرده ام حتی حاضر بودن دولت را برای جواب سؤالات در صورت جلسات قید کنند سؤالی جناب آقای صفائی کرده اند سؤالی هم جناب آقای خلغالی کرده اند و سؤالی جناب آقای کهید نموده اند سؤالی جناب آقای حائری زاده کرده اند.

بنده چند مرتبه تذکر داده ام که دولت برای جواب حضرات سؤالات هم خود آقایان وزراء باید جواب سؤالات را بفرمایند و حاضر نیستند بنده بفرمائید بنده تلفن می کنم فوراً برای جواب آقایان حاضر می شود الان هم بنده تقاضا دارم قبل از همه سؤالی که مربوط به

بانک ملی است مطرح بشود چون موضوع  
حائز اهمیت فراوان است

**نایب رئیس** - راجع به موضوع  
سؤالات محتاج بنده نظر است که دولت  
اعم از اینکه سؤالی شده باشد یا نشده  
باشد می تواند هر گونه تعقیبی در هر مرحله ای  
که لازم بدانند بکار برد بنابراین اینکه  
سؤالی مطرح نشده و مانع اقدام دولت  
شده است این بنظر بنده وارد نیست در  
این حال البته بنده نظر آقای دکتر ملک  
اسمعیلی را راجع بمقدم داشتن سؤال آقای  
کههد رعایت می کنم ولی فعلا آقای وزیر  
دارائی تشریف ندارند (معاون نخست وزیر -  
بنده جواب عرض می کنم) آقای کههد  
بفرماید

کههد در تاریخ ۷ دی ماه از دولت سؤالی  
کرده بودم که در شهریور ۱۳۲۸ مبلغی در  
حدود دویست میلیون و سیصد هزار لیره دانسته و  
فهمیده از دارائی بانک ملی ایران که متعلق  
به ملت ایران است خارج و به نفع انگلیسها  
پرداخت و استفاده شده است این سؤال  
بنده مورد توجه مخصوص جناب آقای نخست  
وزیر قرار گرفته و بعد از رسیدگی و تصدیق  
صدق عرایض اینجناب اینک نماینده محترم  
دولت برای توضیح حقایق در مجلس شورای  
ملی حضور بهم رسانیده است

قبل از ذکر بیان مطلب ناچارم حقایق  
تلخی را بعرض برسانم در مدت ۱۵۰ سال  
که دولت انگلیس در تمام شئون سیاسی و  
اقتصادی این کشور مداخله داشته است  
همیشه عده ای از غلامان حلقه بگوش و نوکران  
خاص خود را در رأس امور و کارهای مهم و  
حساس کشور قرار میداده است بدیهی است  
وظیفه این آقایان حفظ منافع اربابان خود  
بوده است

اگر بگویم بعضی از این نوکرها  
باندازای خوش خدمتی می کردند که اگر  
یک مرد انگلیسی بجای آنها بود این طور  
خدمت نمی کرد مبالغه نگفته ام اینک باصل  
موضوع می پردازم

در تاریخ ۲۶ ماه مه ۱۹۴۲ قرارداد  
مالی بین دولت ایران و دولت انگلستان  
منعقد گردید و با آنکه قرار داده بودیم  
نفع انگلستان بود تصادفاً جریاناتی بعد از  
چند سال جهت امور مالی انگلستان بوجود  
آمده که بر حسب قضا و قدر از ماده ۸ آن  
قرار داد مختصری نفع عائد دولت ایران  
میشد در ماده ۸ قرارداد مزبور تصریح شده  
بود که لیره های موجودی ایران در بانکهای  
انگلستان بطلا تضمین شده و اگر بعداً  
تنزلی در نرخ لیره حاصل شود ضرری نباید  
متوجه دولت ایران گردد و قیمت لیره های  
ایران بر اساس قیمت طلا محسوب خواهد  
شد

در تاریخ ۳۰ دسامبر ۱۹۴۷ موافقت  
نامه بین بانک ملی ایران و بانک انگلستان  
منعقد و در ماده ۴ قرارداد مزبور مراتب

بید و صریحاً تصدیق شده بود که کلیه  
موجودی لیره های بانک ملی ایران طبق  
ماده ۸ قرارداد  
تضمین شده بطلا میباشد. همچنین در ماده  
۳ موافقت نامه مورخه ۲۸ اکتبر ۱۹۴۸  
منعقد بین بانک ملی ایران و بانک انگلستان  
تأیید شده بود (موجودیهای حساب های  
قابل انتقال ایران و هر مبلغی که بعداً به آن  
اضافه شود طبق ماده ۸ قرارداد مالی ایران  
و انگلیس مورخه ۲۶ ماه مه ۱۹۴۲ نسبت  
به تنزل در مقابل طلا تضمین گردید، و مقرر  
شده بود که تفصیل طرز انجام ضمانت مزبور  
به ترتیبی خواهد بود که در نامه های متبادله  
بین سفیر دولت انگلیس در طهران و وزیر  
امور خارجه ایران در ۱۸ اکتبر ۱۹۴۲ توضیح  
داده شده است) و از این پیمان حد اکثر  
استعماده رادولت انگلستان به نفع خود نمود  
در ۲۷ شهریور ۱۳۲۸ دولت انگلیس به  
جهاتی تصمیم گرفت قیمت لیره خود را نسبت  
به دلار و طلا تنزل دهد و این تنزل بماخذ  
لیره های تضمین شده بطلا چهل و چهار  
درصد بود البته این عمل برای دولت انگلیس  
متضمن چند فایده بود اول آنکه مبالغ  
مهمی لیره متعلق به بعضی از ممالک دنیا  
در بانکهای انگلیس موجود بود که به طلا  
و دلار تضمین نشده و مشمول این کسر و  
تنزل قیمت گردید دوم اجناس انگلیسی  
توانست در امریکا به قیمت بسیار مناسبی  
عرضه گردد و با اجناس گران قیمت امریکائی  
رقابت نماید و مبلغ مهمی ارزش به موجودی  
انگلیس اضافه شود و از حاصل این عمل  
این نتیجه بدست آمد که بعد از اندک مدتی  
مبلغ قابل ملاحظه موجودی طلا و ارز  
دولت انگلستان اضافه شد

پس دولت انگلستان بابت آوردن  
چنین منافع بی شماری هیچگاه در صدد بر  
نیامد که بر خلاف پیمان و تعهد خود مبلغ  
ناچیزی که از این راه عاید خزانه ایران  
میکردید عدول نماید و چون این تنزل  
عمومی لیره تأثیری در وضع لیره های تضمین  
شده به طلا ایران نداشت و می بایست طبق  
پیمان ۴۴ درصد به کلیه موجودی بانک  
ملی ایران اضافه شود و دولت انگلستان هم  
حرف و ایرادی نداشت به این جهت از  
بانک ملی ایران درخواست نمود مبلغ  
موجودی را تعیین کنند تا ۴۴ درصد بآن  
اضافه نمایند بختانه یا متأسفانه جناب آقای  
ابوالحسن ابتهاج مدیر کل بانک ملی ایران  
در آن موقع لندن تشریف داشتند و خوش  
خدمتی ایشان با نفع اربابان خود کل  
گردید و به بانک ملی ایران دستور میدهند  
مبالغی که شرکت نفت و بانک شاهی سابق  
در حسابهای خود نزد بانک ملی ایران به  
لیره موجود دارد آن کل مبلغ موجودی  
کسر شود یعنی مشمول این ۴۴ درصد  
نگردد

این دستور موجب حیرت و تعجب

متصدیان وقت بانک ملی ایران گردیده و  
کمیدونی هر کس از آقایان دفتری و جهانگیر  
و چند نفر دیگر در بانک تشکیل و با توجه  
بمفاد پیمان و مقررات بانکی ایران و اصول  
بانکداری دنیا و مذاکره با مشاورین قضائی  
باین نتیجه رسیدند که این دستور بهیچ وجه  
صالح نیست و با هیچ یک از مقررات بانکی  
و وفق نمیدهد و قابل اجرا نمیشد و صریحاً  
مراتب را به جناب آقای مدیر کل بانک  
اعلام میدارند جناب آقای مدیر کل با کمال  
غرور و خود سری توجیهی به دلائل موجه  
متصدیان بانک ننموده و صریحاً دستور میدهند  
مبلغ ۲/۲۵۳/۵۴۳ لیره انگلیسی که به  
قیمت امروز بالغ بر پنجاه و شش میلیون  
تومان میگردد از حساب بانک ملی ایران  
یعنی از خزینه فقیر ملت ایران خارج و به  
خزانه دولت انگلستان و نفع انگلیسها  
محسوب گردد و باین نحو خدمت صادقانه  
خود را بپوشانند آنکه خود انگلیسها توقع یا  
انتظار و یا درخواستی نموده باشند به نفع  
اربابان خود و بزیان ملت غارت زده ایران  
و مؤسسه ای که خود رئیس مطلق العنان آن  
مؤسسه بود انجام میدهد

آقایان محترم من به جرئت قسم یاد  
میکم که اگر یک نفر انگلیسی مدیر کل  
بانک ملی ایران بود مجال بنظر میرسید و  
امکان نداشت که چنین عملی را که برخلاف  
نص صریح پیمان و عرف و عادات بانکداری  
جهان میباشد انجام دهد خلاصه بعد از انجام  
عمل و پرداخت وجه جناب آقای مدیر کل  
در صدد برمی آید که جهت این عمل خلاف  
خود مدرکی از دولت وقت تحصیل کند  
شرحی بجناب آقای ساعد نخست وزیر وقت  
بمبنی آنکه ذکر مبلغ نماید سفسطه آمیز  
مرفوم میفرمایند و مطالب بچه گانه در نامه  
مزبور شرح میدهند و از همه مضحکتر آنکه  
در نامه مزبور صریحاً اعتراف میکنند که  
مطابق پیمان و قرارداد باید این مبلغ بایران  
برسد ولی اخلاقاً خوب نیست که این مبلغ  
از انگلیسها گرفته شود. جناب آقای  
ساعد هم دست کمی در خدمت گزازی از  
ایشان نداشتند مراتب را طی نامه تأیید  
مینمایند من یقین دارم اگر این عمل در هر  
یک از ممالک متدین و غیر متدین دنیا صورت  
میکرفت کوچکترین مجازات مرتکب از  
اعدام کمتر نبود البته بیاس این گونه خدمات  
صادقانه است که این آقای عزیز را در  
امریکا با حقوق گزافی که یعنی ۱۸ هزار  
دلار یا ۱۶۰ هزار تومان در سال استخدام  
شده است

بهرجهت این بود از مختصر اطلاعی که  
بنده داشتم چند فقره از این گونه خراب  
کاری سراغ دارم که بعد از تحقیق در صحت  
و سقم آن مورد سؤال قرار خواهم داد  
اینک منتظر توضیحات نماینده دولت هستم  
که نظریات خود را در این خصوص مجدداً  
توضیح بدهم

**نمایندگان** - احسن - احسن - احسن  
**نایب رئیس** - آقای دکتر  
اسمعیلی  
**معاون نخست وزیر** - اینکه  
عرض کردم که توجیهی بسؤالات بشود منظر  
این نبود که اگر مطلبی را بایستی در  
در مجلس مطرح کند و با منافع ممالک  
تماس دارد دولت حق اینکار را ندارد  
سؤال شد تکلیفی هم ایجاد میشود یعنی  
وقتی سؤال نشده دولت خودش موضوع  
تعقیب میکند و تا عملی انجام نداده گفتند  
در مجلس جز اتلاف وقت آقایان نمایندگان  
محترم نتیجه ای ندارد دولت در این باره  
وظیفه خودش عمل کرده و باید هم بکند  
و همین که سؤال ابلاغ شد آئین نامه میگردد  
باید در ظرف یک هفته نماینده دولت  
وزیر مربوطه اینجا حاضر بشود و جواب  
بدهد از این نظر تقاضا کردم که توجیه  
والا هر وقت مطلبی برای استحضار آقایان  
لازم باشد در مجلس مطرح میشود  
البته که تامل نخواهد شد و این وظیفه دولت  
است و اما جناب آقای کههد راجع به  
میلیون و کسری لیره وزیانی که در مورد  
تنزل نرخ لیره در شهریور ماه ۱۳۲۸  
بموجودیهای شرکت سابق نفت و بانک  
انگلیس و ایران در خاورمیانه به بانک  
ایران وارد شده است سؤالی کرده اند  
اینک عین توضیحاتی که بانک ملی ایران  
داده است با استحضار آقایان نمایندگان  
محترم میرسد در طبق ماده ۴ موافقت نامه  
مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۴۸ منعقد بین  
ملی ایران و بانک انگلستان کلیه موجودی  
حسابهای قابل انتقال ایران و هر مبلغی  
بعداً به آن اضافه شود بر اساس ماده  
قرارداد مالی ایران و انگلیس مورخه  
۲۶ مه ۱۹۴۲ نسبت به تنزل در مقابل طلا  
شده بود در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۲۸  
ارزش لیره انگلیسی بطلا در حدود  
درصد تنزل نمود و چون این تنزل شامل  
موجودی های لیره بانک ملی ایران بود  
از این جهت در ۱۹ دسامبر ۱۹۴۹ اطلاع  
۲۸ شهریور ماه ۱۳۲۸ بانک انگلستان  
موجودی حسابهای لیره بانک ملی ایران  
استفسار نموده که تفاوت را بحساب بانک  
ملی ایران و نفع کشور منظور نمایند  
بانک ملی چون رئیس کل بانک آقای ابتهاج  
در لندن بوده از ایشان سؤال میکنند که  
دستور می کنند که از انگلستان یک  
کاغذی رسیده که ما میخواهیم این مبلغ  
بصورت حساب شما بگذاریم (که  
تلگراف است؟) البته تلگراف است  
آقای ابتهاج جواب میرسد که موجودی  
حسابها (این را آقایان توجه فرمایند)  
خواهش میکنم موضوع خیلی اهمیت  
و اگر آقایان توجیهی بفرمایند موضوع  
حقیقتاً خواهد شد) از آقای ابتهاج  
میرسد که موجودی حسابها پس از

ده های شرکت نفت و سرمایه بانکه های  
 بی قلمداد شود یعنی اول آنها را کسر  
 کند بعد حسابی که میخواهند بآنها بدهند  
 آنچه طلبکارند از بقیه حساب کنند چون  
 دستور با این موافقت نامه بخصوص ماده  
 که الان عرض کردم مفایرت داشت و به  
 بانک ملی بود باز متصدیان بانک ملی  
 بودا تلگراف میکنند که آقا در موافقت  
 چنین چیزی نیست و ماده ای ناظر باین  
 ضوع نیست که ما آنها را کسر کنیم و بعد  
 بقیه حساب را واریز کنیم بعد از  
 تلگراف مجدداً از طرف آقای ابتهاج  
 لندن یک دستوری میرسد که این دستور  
 خواهش میکنم آقایان توجه فرمائید  
 منظور میدهد که سیرده شرکت نفت و سرمایه  
 یک چون عیناً قابل استرداد است مشمول  
 تضعیف لیره نمی باشد (که بعد - اشتباه  
 کرده) و موجودی بانک بامنها کردن این  
 نام باید بحساب بیاید در نتیجه مبلغ  
 ۱۲۴۳۹۰ لیره از موجودی های بانک  
 قلم هائی که عرض کردم کمتر قلمداد  
 برده اند و بالتبع همانطوری که جناب آقای  
 که بعد اشاره فرمودند در اینجا مبلغ  
 ۲۲۵۳۰ لیره بزیان بانک تمام شده  
 است بعد آقای ابتهاج مثل اینکه متوجه  
 شوند که اینکار غلط بوده نامه ای در تاریخ  
 ۲ دی ۱۳۲۸ شماره ۵۳۱۶ بعنوان  
 نام آقای ساعد نخست وزیر وقت مینویسند  
 توضیحاتی میدهند در باره عمل خودشان  
 اینکه من چرا این مبالغ را جزو موجودی  
 بانک احتساب نکردم و تقاضا میکند باصلاح  
 صرف این عمل را صحت بگذارند (دکتر  
 لاهی - دلش چه بوده است؟) نامه اش را  
 بعد تقدیم میکنم خدمت مقام ریاست و تائید  
 زبور بموجب نامه شماره ۶۳۱۸۲ مورخ  
 ۱۳۲۸ وزارت دارائی بعمل آمده  
 این خلاصه جریان تنزل لیره و حساب نکردن  
 آن دو قلم در موجودی های بانک بود اما  
 لایلی که اینکار باصلاح مملکت نبوده و  
 که برعکس مملکت ما که احتاج بسیار  
 از خارجی داشته ضرر وارد آمده چیست؟  
 اولاً بانک ملی ایران این عمل مورد تائید  
 کرده و همین جهت با وجود دستور قبلی که  
 می بر کسر کردن این اقلام از موجودی  
 های بانک بانک صریحاً اطلاع میدهد که  
 این امر مخالف ماده ۸ موافقت نامه است  
 وجود این آقای ابتهاج دستور میدهد  
 که غیر کسر کنیم دوم ببینیم عمل بانکداری  
 بانکه های دنیا چیست؟ واقعا اگر این عمل  
 در دنیا نظیرش بوده خوب میگفتیم استناد  
 کرده اند بعمل یک بانکی و عمل بانکداری  
 یک عمل فنی است موافق عرف عمومی  
 عمل بانکداری موجودی بانک شامل اقلام  
 مختلفی است که اصلاً تفکیک پذیر نیست و  
 شود آنها را از هم تفکیک کرد و طلب  
 حقیقی و حقوقی طلب عینی نیست  
 که ما بگوئیم یک شخصیت حقوقی فلاقت

یول بیانک داده این را جدا میگداریم در  
 یک حساب علیحدگی و عیناً قابل استرداد  
 خواهد بود چنین عملی در بانک های دنیا  
 معمول نیست و اصولاً مخالف اصول بانکداری  
 است و این دلیلی که آقای ابتهاج آورده اند  
 که عیناً قابل استرداد است ابدأ در هیچ  
 جای دنیا این مطلب صحیح نیست و هیچ  
 بانکی چنین چیزی را قبول نمیکند  
 سوم دلالی ایشان آورده اند در نامه مورخ  
 ۲۰ دی ماه ۱۳۲۸ علاوه بر اینکه در  
 این مورد اصلاً قابل اعتنا نیست و مربوط به  
 مسائل دیگری است که اصلاً ارتباطی با  
 این موضوع ندارد چون رقمی درش ذکر  
 شده است اصلاً معلوم نیست یک دلیل دیگری  
 هم میشود ذکر کرد تمام عواید ارزی لیره  
 کشور که قسمت عمده آن بابت حق الامتياز  
 و فروش لیره توسط شرکت سابق نفت در  
 اختیار دولت قرار میگرفته است از راه  
 مبادلات مستقیم بازرگانی و غیر بازرگانی  
 با انگلستان قابل مصرف نبوده و به همین  
 دلیل قابل تبدیل بودن دلار برای تأمین  
 احتیاجات اقتصادی کشور پیش بینی شده و  
 به علاوه از محل فروش محصولات نفتی ایران  
 در کشورهای مختلف اعم از گروه لیره و  
 گروه دلار ارز های گوناگون در اختیار  
 بانک انگلستان بوده است لذا تبدیل لیره  
 به دلار یا ارز دیگر توسط بانک انگلستان  
 امری طبیعی و ضروری بوده و بفرض آنکه  
 آن را ارفاق محسوب کنند نباید موجب  
 معرومیت بانک از یک درآمد مشروع و  
 موافق اصول عرف بانکداری و بازرگانی  
 بشود (صحیح است) آقایان توجه فرمائید  
 که استدلال آقای ابتهاج اینست که بانک  
 ضرر نکرده بانک ضرر نکرده که حرف نشد  
 بانک اصولاً برای اینست که جلوی عدم النفع  
 را بگیرد یعنی اینکه اگر جائی باید نصفی  
 عاید بانک بشود عمل بانک اینست که این  
 نفع را جلب کند ممکن است بگوئیم این  
 عدم النفع است خوب عدم نفع چیز خیلی  
 مورد توجهی است و منفعتی برای ایران  
 وصول نشده است (صحیح است) پنجم  
 موضوع نرخ ارز در ایران بخصوص بعد  
 از شهریور ۱۳۲۰ که یک وضع خاصی  
 نسبت بمقابل این تاریخ بوده هیچوقت بر  
 اساس موازنه دریافت و پرداخت کشور و  
 مبانی اقتصادی و اوضاع و احوال طبیعی و  
 سیاست اقتصادی استوار نبوده و از این راه درآمد  
 ارزی کشور (که بانرخ بالاتر بضراف  
 بیشتری ریال در اختیار شرکت سابق  
 می گذارده است) نقصان فاحش یافته و در  
 همان روزها موجب گرانی کالاهای وارداتی  
 شده و در تمام شئون مالی کشور مؤثر بوده  
 است و در نتیجه بانک ناگزیر می شده در  
 همان وقت برای تأمین اعتبارات ارزی  
 خودش در خارجه از دیگران وجه در حساب  
 خود بیدرد بیاورد باین آقایان متذکر فرمائید  
 شایسته نبوده است در یک همچو موقعی با

توجه بوضع کشور از نظر ارزی و مالی و  
 اقتصادی و با وضع ناگوار مالی دولت حتی  
 از مطالبه تنزل لیره نسبت بموجودی های  
 بانک که دلائل آن را بنده عرض کردم  
 خودداری بشود (مهندس حسینی - با  
 اینکه جنس هائی که انگلیس ها فروختند  
 اضافه قیمت گرفتند) صحیح است اضافه  
 قیمت گرفتند طبق عرف بانکداری و  
 بازرگانی به بستانکار خود پول رایج میدیون  
 بوده و از بهر کار خود طبق موافقت نامه و  
 بانوجه باوضاع و احوال بازرگانی حق  
 داشته است تفاوت تنزل آن را مطالبه کند  
 مضافاً باین که درخواست یا مطالبه ای هم از  
 بانک انگلستان در این خصوص نشده بنابر  
 این مبلغ ۲۲۵۳۰۴۳ لیره ضرر مسلم به  
 بانک ملی ایران وارد شده است و دلالی که  
 آقای ابتهاج ذکر کرده اند بهیچوجه موجه  
 نیست و نوشت مکاتبات و تلگرافات در این  
 خصوص هرچه مبادله شده و رونوشت  
 موافقت نامه را هم که ضمیمه است عیناً تقدیم  
 مقام ریاست می کنم (کریمی - چرا تا بحال  
 تعقیب نکرده اند؟ باید تعقیب بشود) موضوع  
 تعقیب را هم بنده عرض می کنم که بهیچجا  
 رسیده است ما که توجه نداشتیم بانک هم  
 توجه نداشت و بعد از اینکه متوجه شد بحث  
 در این بود که باچه ماده ای از قانون جزا  
 تطبیق می کند آقایان حقوق دن ها در  
 مجلس زیاد هستند همه آقایان بقوانین جزائی  
 آشنائی دارند انطباق عمل بامور دیگری از  
 مطالبی است که باعث می شود ادعائی اگر  
 مراجعه بمحکمه جزا بشود به نتیجه برسد  
 (کریمی - خیانت است) بنده در آن توضیح  
 میدهم جناب عالی قانع خواهید شد آقایانیکه  
 بحقوق جزا بیشتر آشنائی دارند و کارشان  
 این بوده که با حقوق جزا سروکار داشته  
 باشند میدانند که تطبیق عمل باماده یکی  
 از مسائل مهم حقوق جزاست یعنی اگر  
 یک کسی عملی مرتکب شده که بنظر بنده و  
 جناب آقای ناد علی کریمی بسیار زشت و  
 ناپسند باشد ولی در قانون جزا این عمل  
 پیش بینی نشده باشد نمی توانیم این را  
 تعقیب کنیم (کریمی - خیانت است) خیانت  
 است اگر اجازه فرمائید بنده یک مثال  
 کوچک عرض می کنم که چگونه مورد رد را باید  
 باقانون جزا تطبیق کرد در فرانسه یک  
 عدمای از خارجی ها می آمدند و در رستوران  
 ها غذا می خوردند و پول نمیدادند تمام  
 محاکم فرانسه گفتند این کلاهبرداری  
 است گفتند کلاهبرداری نیست برای اینکه  
 تعریف کلاهبرداری اینست که کسی بیه  
 وسائل متقلبانه متشبث شود این آمده مثل  
 سایر مشتری های دیگر کلاسون هم بهش  
 تعظیم کرده صورت غذا گذاشته بخوریش  
 و بعد غذا خورده و بعد که خورده گفته پول  
 ندازم کجای این کلاهبرداری است گفتند  
 دزدی است گفتند دزدی هم نیست برای  
 اینکه درخفا چیزی نه برده است آمده است

نشسته است صورت غذا را گذاشته اند و  
 غذا را خورده و گفته پول ندارم و چون  
 موضوع حقوقی تلقی شد و رستوران چها  
 نمی رفتند برای ۱۰ فرانک ۲۰ فرانک  
 ۳۰ فرانک عرض حال میدهند دولت آمد  
 برای اینکه یک ماده بخصوص که اسمش  
 (لیورتنی دز آلیمان) یعنی ربودن پول  
 غذا بود وضع کرد این را میخواستم عرض  
 کنم که تطبیق عمل بامواد قانون خیلی  
 مهم است بنده فکر کردم آقایان هم میتوانند  
 به بنده کمک کنند که باارتشاع و اختلاس  
 و برداشتن اموال دولت بضرر دولت تطبیق  
 شود ولی بنده فکر میکنم که با ماده ۲۳۸  
 قانون مجازات که کلاهبرداریست قابل  
 تطبیق است (صحیح است) رئیس بانک  
 را باید کلاهبرداری تشخیص بدیم و بآن  
 عنوان تعقیب کنیم  
**گفتند - اجازه میفرمائید**  
**نایب رئیس - آقای که بعد دولت**  
**هم که بانظر شما موافق است**  
**(که بعد - جزئی توضیحی عرض میکنم**  
**بفرمائید**  
**گفتند - بنده نهایت تشکر را دارم**  
 که نماینده محترم دولت جناب آقای دکتر  
 ملک اسمعیلی آنچه مطابق باحق بود اینجا  
 فرمودند یعنی واقعا آنچه که اتفاق افتاده  
 بود تشریح کردند و توضیح دادند بنده  
 فراموش نمیکنم یک روز هم جناب آقای  
 مهندس رضوی نایب رئیس محترم مجلس  
 شورای ملی که موقتی که بازرس دولت در  
 بانک ملی بودند این تذکرات را دادند بنده  
 هم از ایشان تشکر میکنم که آن موقع اقدام  
 فرموده اند متأسفانه دولت هائی بودند که  
 ترتیب اثر باین کار نماندند ولی حالا  
 دولتی هست که ترتیب اثر میدهد این بود  
 که بنده این قضیه را تعقیب کردم و مخصوصاً  
 از دولت ببدأ و مصراً تقاضای کنم که کلیه  
 اشخاصی که در این مورد عمل کرده اند  
 مورد تعقیب جزائی قرار بگیرند آقا برای  
 یک مرتبه شما اینها را پای میز محکمه بشکند  
 که اینها دیگر فکر نکنند که همینطور این  
 کار هارا میکنند و بدانند که یک روز کتاب  
 و حسابی هست الان در یک مملکتی که برای  
 ده لیره فلان محصل و فلان بیمار در چارزحت  
 است دو میلیون و دویست و پنجاه هزار لیره  
 بدون آنکه طرف بخواهد یا تقاضا کرده  
 باشد یا تمنا کرده باشد ما بر میداریم میگوشیم  
 بفرمائید بعد هم میگوشیم این عمل صحیح  
 بوده است بنده ثابت میکنم این قرار داد  
 مالی که بین ایران و انگلستان بسته شده  
 است صدر صد بضع انگلیس ها بوده است  
 (صحیح است) چرا آنها آمدند در یک  
 ماده اش گفتند اگر فلان چیز میخواهد  
 بخرید باید از ما بخرید اگر ما نداشتیم آن  
 وقت بروید جای دیگر بخرید پس نهایت استفاده  
 این آقایان از این قرار داد (باز با اصلاح  
 هدف این قرارداد خیانت بوده است)

وضع دنیا طوری تصادف کرد که یک مرتبه انگلیس ها یک مقداری ارز در مملکتشان بود که خواستند یک قدری از ارزش آن کم کنند و از این تصادف یک چیزی گیر ما می آمد آنرا هم متأسفانه رئیس بانک وقت نتوانست آن چیز جزئی نماید مملکت ما بشود بنابر این بنده از جناب آقای معاون نخست وزیر و سایر آقایان وزارت نامی که اقدام فرمایند برای گرفتن این حق از انگلستان از بانک انگلستان و بر علیه آنها اقدام دعوی کنند دوم آنکه اشخاصی را که مرتکب این اعمال شده اند مورد تعقیب قرار بدهند

**سوال آقای دکتر بقائی راجع به برنج و معامله برنج با اندونزی و جواب آقای وزیر اقتصاد ملی**

**نایب رئیس** - سوال آقای دکتر بقائی مطرح است از آقای وزیر اقتصاد (که بعد سوال بنده مقدم است)

**دکتر بقائی** - سوال بنده گرچه تقریباً یک ماه و نیم قبل است متأسفانه مجلس فرصت نکرد که این را زودتر مطرح بکند سوال بنده راجع به موضوع است یکی راجع به جریان صدور ۵۰ هزار تن برنج و یکی راجع به جریان معامله برنج با اندونزی که بقراری که شهرت دارد سوء استفاده هائی بضرر حیثیت دولت و مملکت در این معامله صورت گرفته است راجع به این صدور ۵۰ هزار تن برنج بنده اطلاع دقیقی نتوانستم کسب کنم و به همین جهت هم سوال کردم فقط چیزی که بنده میدانم اینست که در بازار این جواز هائی که راجع به برنج صادر شده بود مورد معامله و سوء استفاده عده ای قرار گرفته بود بعضی جواز گرفته اند و با اصطلاح آن جواز را از قرار کیلویی یک تن سیاهی بدیگوزان فروخته اند ضمناً یک جریانی پیش آمد که تمام این ۵۰ هزار تن برنج صادر نشده از مملکت میخواستیم ببینیم دولت چه ترتیبی برای اینکار داده و چرا اقدامی نشده در موقعی که ما در مضیقه ارزی هستیم چرا باید این مقدار از مملکت صادر نشود اما راجع به جریان معامله با اندونزی اطلاعات بنده بیشتر است و خواهش میکنم جناب آقای دکتر اخوی وزیر محترم اقتصاد یا اشتباهات بنده را تصحیح فرمایند یا اطلاعات بنده را تصدیق فرمایند و بگویند چه اقدامی شده است یا اگر جریان موضوع دیگری بوده است بعضی موضوعات شورای ملی برسانند اطلاعاتی که بنده دارم از این قرار است که در ابتدای قبل دولت با اندونزی تقاضای خریداری مقداری برنج داشت البته آقایان نمایندگان محترم توجه دارند که دولت اندونزی یک دولت مسلمانی است و ملت اندونزی مدتی کوتاهی است که استقلال خودشان را بدست آورده اند و علاوه بر همکیشی که بین ملت ایران و ملت اندونزی هست یک سوابقی هم بین این دو ملت موجود بوده مخصوصاً یک روابط

علمی و ادبی ، بیش از آنچه که معمولاً می شود تصور کرد بین این دو ملت یعنی از طرف ایران با اندونزی وجود داشته و از لحاظ موقعیت جغرافیائی و محصولاتی که ما داریم و ملت اندونزی دارد میتوانیم از لحاظ اقتصادی کمکهای بسیار ذیقیمتی بهم بکنیم بطوری که بنده اطلاع حاصل کردم وقتی که سفارت اندونزی در صدر بر می آید که از اینجا یک برنجی صادر بکنند ، البته اشخاصی واسطه میشوند و یک تجارتخانه ای را باو معرفی میکنند و میگویند که این شخص معتبری است و شما معاملهتان را با این تجارتخانه انجام بدهید ، تجارتخانه صاحبش شخصی است بنام مقتدر شفیقا بنده با او آشنائی ندارم و بطوریکه شنیده ام آدم کلاهبرداری است و یک سوابقی هم در ایران و هم در خارجه داشته است ( صحیح است ) حتی در ممالک خارجه تعقیب شده است سفیر اندونزی مراجعه میکنند بانگلی و بانگلی باو می گویند که این شخص معتبری است در صورتی که باز طبق تحقیقاتی که بنده کردم این شخص در آن پرونده اعتباری که در بانگلی دارد کلاهبرداری ها و کارهایی که کرده در بانگلی هم بوده است ( صحیح است ) معذک از طرف بانک سفیر اندونزی اطمینان داده میشود که این آدم معتبری است روی این اصل می آیند و با این شخص قرارداد فروش و حمل مقداری برنج را میدهند طبق قرارداد قرار بر این بوده است که وقتی که هر قسمت از برنج حمل شد از تهران بخرمشهر ، باز نامه ای که این تجارتخانه آقای شفیقا ارائه میدهد یک مقداری پول طبق آن قرارداد باید سفارت اندونزی باین تجارتخانه بپردازد باز طبق اطلاعاتی که بنده حاصل کردم شریک آقای شفیقا که متأسفانه یکی از همکاران سابق خودمان بوده یعنی آقای سلمان اسدی یک بنگاه حمل و نقل درست میکنند روی کاغذ با اسم نورا کسپرس یا تورا کسپرس که البته وجود خارجی نداشته و لسی بارنامه و نام و مارک و اینها همه اش درست شده بوده ( ناظر زاده - همان تور بهتر است ) این تجارتخانه باز نامه صادر می کند که این برنج از طرف آقای مقتدر شفیقا بمن رسیده که حمل کنم بخرمشهر و این بر نامه را می برند بسفارت اندونزی ، و مبلغی در حدود یک میلیون یا یک میلیون و دو ستم هزار تومان پول میگیرند از سفیر اندونزی مدتی لازم این قضیه میگذرد و اینها می بینند که برنجی نرسیده و شروع می کنند بتعقیب قضیه و شروع بتعقیب که میکنند البته گویا کار می رود بداد گستری و مثل جریان همیشه این آقایان هر دو شان مجهول المکان میشوند مثل همه مجهول المکانهای این مملکت . مثلاً آن اشخاصیکه چهار میلیون ، دو میلیون ، یک میلیون هشت صد هزار تومان بدهی مالیاتی دارند ، اینها معمولاً مجهول المکان میشوند خوب ، یک کسی هم که بتواند یک کلاهبرداری از یک دولت خارجی بکند البته مجهول المکان میشود ، مجهول المکان میشوند و مدتی

نمی توانند اینها را گیرشان بیاورند و بعد با نفوذ هائی که دارند موضوع پرونده جریان اولیه اش را طی میکنند و البته معلوم میشود که سوء تفاهم بوده است و احتیاجی بتعقیب ندارد و آن پرونده بسته میشود و بنده شنیدم مسافرت وزیر خارجه اندونزی به تهران راجع باین موضوع بود . این را میخواهم که آقای وزیر اقتصاد توضیح بدهند که ارتباطی با این موضوع داشته یا نداشته است و اصولاً این جریان واقعتش چه بود ما است ، یکی از آقایان بنده یاد داشتی نوشته اند که این شخص اول اسمش علی مقتدر بوده بعد که دیگر نمی توانسته در تحت این نام سوء استفاده کند اسم خود را شفیقا گذاشته است . از این اطلاع متشکرم . بعداً هم باز افتاده توی جریان و گویا یک طریقی خواسته اند این را حل بکنند دیگر بقیه اش را بنده نمی دانم . البته جناب آقای وزیر اقتصاد توضیح خواهند فرمود . اما مطلبی که بی نهایت مهم است و باینجهت بنده لازم دانستم که این موضوع را در مجلس مطرح بکنم اینست که این معامله و این کلاهبرداری یک عمل دزدی اقتصادی ساده نبوده است و الا این قسم کلاه برداری ها در مملکت ما خیلی میشود و لزومی هم ندارد که توی مجلس مطرح بشود چون بجائی نمیرسد ولی این مطلب با توجه باین نکته که اندونزی تازه استقلال پیدا کرده و دارای متاعهائی هست که مورد احتیاج ما هست و ما یک صادراتی داریم که ببرد آن مملکت میخورد و طبق آن لحاظ مملکتی و سوابق ما میتوانیم که باین دولت و ملت خیلی بهم نزدیک بشویم و خیلی ببرد هم بخوریم ، اولین معامله ای که آنها میکنند وقتی مواجه با یک همچو کلاهبرداری شود این برای بنده اطمینان حاصل است که این یک کلاهبرداری عادی نبوده و جنبه سیاسی بر جنبه اقتصادی میچربیده برای اینکه طبق اطلاعاتی که بنده دارم و تأییدش را از جناب آقای وزیر اقتصاد میخواهم اینها از این معامله در حدود کیلویی ۴ ریال استفاده میکردند یعنی اگر کلاهبرداری هم نمیکردند یک منافع کلانی میبردند چون بطوریکه بنده شنیدم این برنج را اینها از قرار کیلویی یازده قران یا یازده قران و ده شاهی به دولت اندونزی قرارداد بستند و در حدود هفت ریال جمعاً از حیث خرید و گریه حمل تا خرمشهر بیشتر تمام نمیشد یعنی در هر کیلو برنج اینها چهار ریال اقلانمفت داشتند که در تن می شود چهار صد تومان آنوقت چند هزار تن خودشان حساب کنید که اگر اینها این معامله را شرافتمندانه هم انجام داده بودند از لحاظ مادی یک استفاده هنگفتی میبردند و اینکه نخواهند اینکار را بکنند جزو همان نقشه تصیقات اقتصادی است که برای مملکت ما فراهم میکنند که صادرات ما را از بیابان و واردات ما را در مضیقه نگه دارند . این جزء همان نقشه است همین موضوع سبب شد

که بنده این موضوع را در مجلس شورای ملی طرح کنم و میخواهم ببینم که در این قسمت چه اقداماتی شده است ؟ کسانیکه مسئول دادن اطلاعات غیر صحیح از طرف بانگلی بودند و کسانیکه برای اینها تسهیل فراهم کردند که بتوانند این کلاهبرداری سیاسی و اقتصادی را باین خوبی انجام بدهند ، آیا تحت تعقیب قرار گرفته اند یا مشاغل بهتری بآنها واگذار شد یا تقدیر شدند ، یا تعقیب شدند میخواستم اینها را توضیح بدهند

**نایب رئیس** - آقای دکتر اخوی **وزیر اقتصاد ملی** - خیلی خوش بوقتم که جناب آقای دکتر بقائی در این موضوع سؤالی فرمودند که فرصتی برای بنده پیش آید اساساً تاریخچه صادرات برنج را خدمت آقایان عرض کنم همانطور که آقایان مستحضرنند روز وزارت اقتصاد بنده یک جراحی است در ساحل برای امور اقتصادی و مخصوصاً برای تشویق صادرات این مملکت یعنی ما باید پیش بینی بکنیم که صادرات و واردات و وضع اقتصادی ما و احتیاجاتی که ما داریم از خارجه و بایستی پیش بینی شود باید قبل از وقت پیش بینی بکنیم که آیا بایستی چه تصمیماتی گرفته شود و وضع از چه قرار است بنده از آن روزی که افتخار خدمت گذاری را پیدا کردم سعی کرده ام که بهترین اطلاعات را در هیئت دولت بعرض برسانم و دولت با کمال علاقمندی این اطلاعات را پس از تحقیق مورد توجه قرار داد در قسمت برنج بنده توجه کردم که امسال برنج در دنیا بازاریش بسیار خوب است و این توجه را حالا بنده پیدا نکردم ، برهنه آقایان و همه اهل بازار ایران مشهود است که در سه ماه چهار ماه پیش بنده این توجه را پیدا کردم بنده در آن موقع متوجه شدم که زاین در سال بیش از یک میلیون و نیم دو میلیون بر نفوس افزوده میشود و همچنین هندوستان بیش از دو میلیون در سال بر نفوسش افزوده میشود و هندو چین دستخوش جنگ داخلی است همینطور کره و بنابر این محصول برنج دنیا هم از طرف دیگر دستخوش بعضی آفات شد و در همین اصل بنده پیش بینی کردم که برنج ترقی خواهد کرد و خوشبختانه برنج کشور ایران هم احتمال محصولش بسیار خوب بود در این صورت دولت در آن موقع دارای یک وضعیتی بود باین کیفیت که در شهر بود ما دلار هائی که دولت درست داشت و با تجار تحصیل میکرد تمام شده بود از طرف دیگر برنج در آن موقع در بازار کیلویی شش ریال بود بر طبق اطلاعاتی که بنده دارم در آن وقت ۶ ریال ، الی مافوق شش ریال و نیم بود مافکر کردیم که بطور قطع بازار برنج امسال دچار گسرت است و باید روی بازار را بیاورند و اگر برنج محصول آزاد باشد تردید نیست که شاخه برنج و هر چه هم ما دون شاخه برنج باشد صادر میکنند که آذوقه مملکت را بیاورند و این کار را



بزرگ روزشان بجای ناز برنج است از کشور صادر میشود و میرود و باین دلیل قرار داد که امسال پروانه صادر بشود در عین حال که محصول کشور بسیار خوب بود اما چون باید پروانه صادر بشود در آن موقع هنوز وضع روایه با کشورهای انگلستان شده بود بلکه یک ماه هم مانده بود در آن موقع برای آنکه مبادا مضیقه اقتصادی پیدا نکند از همان موقع قرار شد که اساساً پروانه در مقابل دلار صادر بشود صادرات و معاش نیست که اگر کسی بخواهد محصولی را صادر بکند فقط یک تمهید ارزی میسر باشد که در عرض ۸ ماه و بلکه عملاً در ظرف دو سال ارز این محصول را بشکورت بر گرداند چون پیش بینی میشد که محصول برنج و بازار برنج خوب است قرار بر این شد که اساساً برای برنج اعتبار باز شود یعنی وقتی برنج وارد گشتی شد بواسطه بملکت بر گردد بعد این مطلب پیش آمد یکی این پنجاه هزار تن برنج را پروانه بدهند اگر ملاک را میگذراشتیم که هر گس میخواست ببرد وقتی ۵۰ هزار تن برشد بعد جلوگیری را بگیریم ممکن بود که بسیاری از مردم باین امید یک ضررهای بزرگی متوجهشان بشود یعنی برنج را در راه در تهران یاد از آن یا در تهران مشرف داشته باشند و جای ۵۰ هزار تن برشته باشد در این صورت باعث ضرر آن اشخاص میشد این بود که ملاک تشخیص را اینطور قرار دادند که هر کسی که اعتبار غیر قابل برگشت بیاورد دلار هم باشد و قیمتش هم نسبت به سایرین بیشتر باشد و او مقدم باشد یعنی اگر کسی ۱۷۰ دلار داد و دیگری ۱۷۵ دلار اول آن ۱۷۵ دلار را بدهند بعد ۱۷۰ دلار را و از طرف دیگر برای اینکه واقعا بیطرفی کامل حفظ شود پروانه صادر کردن را بیک کمیسیون محول کردند که اسم این سه نفر آقایان در دسترس آقایان خواهد بود و بعضی از آقایان محترم هم این آقایان را می شناسند برآستی و درستی و یا کسی (میراشرافی) کیها هستند؟ عرض کنم که یکی از این آقایان سید مهدی مدیر کل وزارتخانه است که سالهاست در وزارتخانه بحسن شهرت معروف هستند یکی آقای تیره و یکی هم آقای قاسم صور بود و بعداً هم که آقای تیره با اختیار خودشان تقاعد درخواست کردند و تقاعد شدند بجای ایشان آقای عقلمی رئیس اداره مستشاری وزارتخانه انتخاب شد که او را هم غالباً آقایان می شناسند که یکی از کارمندان یک نظر و صحیح العمل و درستکار است پس پروانه بدست عمر و وزیر بوده که سوء استفاده کرده باشند پس از آنکه کمیسیون تشکیل شد در اولین جلسه هر کس درخواست داشت درخواستش را تقدیم میکرد و با پروانه داده میشد در جلسه دوم کمیسیون عده ای پروانه هایشان در هفته قبل صحیح بود و بعداً شرایط صدورشان آنجا

آوردند یعنی اعتبارشان را آوردند و قیمتشان درست تشخیص داده شد و بانک تصدیق کرد که این اعتبار آمده و با نهادم داده شد همینطور تا چهار هفته ۵۰ هزار تن بر شد در این جریان قیمت برنج شروع کرد به ترقی کردن و علت ترقی برنج هم خود وزارت اقتصاد و خود دولت بود یعنی وزارت اقتصاد ملی با وسایل و وزارت کشور و وزارتخانه ها مردم فهماندند که قیمت برنج امسال مثل سال قبل نیست و آمدند اشخاص در خود وزارتخانه و پیشنهادهای بسیار شد انگیز ولی در عین حال خیلی شهوت انگیز میدادند برای اینکه شما صرف نظر بکنید از پروانه که بعد میان مردم که لاف شالیها ندانند که برنج چه قیمت است ولی ما صرف نظر کردیم و شهادت آقایان نمایندگان گیلان در همان روز که آقایان تقاضای پروانه کردند و پروانه میخواست صادر شود قبلاً باهالی گیلان گفته شد که قیمت برنج اینست به طوریکه ۶ ریال و پنجشاهی یا ۶ ریال و نیم قیمت برنج به یازده ریال رسیده است اما اینجکه چرا دولت اقدام نکرد به صدور برنج آقایان بایستی توجه داشته باشند که برنج یک متاعی بود که در سالهای قبل جز کشور شمالی ما جز کشور همسایه شمالی ما جز کشورهای سواحل دریای فارس در جاهای دیگر شناخته نبود و اگر هم شناخته بود یک قسمت بسیار کوچکی از واردات آنها را داشت ولی در سال جدید برنج ایران بایستی بازار دریا برود کشور ایران یک کشور دمکراسی است و البته در صورتی که در تحت رژیم اسلامی و بنابر این ابتکارات فردی معتبر است مادامست آقایان بازار گانا را نمی خواهیم کوتاه کنیم در عین حال جناب آقای دکتر بقاشی توجهی دارند باینکه عواملی هم در کار بوده است در اینکه برنج ایران را نگذارند صادر شود بنده تا اندازهای این تذکرات را تأیید میکنم اگر دولت ایران میخواست بکمر تیره ۵۰ هزار تن برنج صادر کند همان عوامل نمی گذاشتند که پنجاه ار تنش هم صادر بشود ولی وقتی که از زاین ، از چین ، از فرمز ، از کشورهای فیلیپین و اندونزی ، از اقصی نقاط برای خرید برنج آمدند یعنی نمایندگان ایرانی با آنها ارتباط داشتند ، تلگرافاتی کردند و برنج ایران را آنجا معرفی کردند شروع شد با آمدن و خریدن ، دو هزار تن دو هزار تن ، پنجاه هزار تن را البته یک دولت خارجی نمیتواند جلوگیری بکند برای صدور ولی ده هزار تن و بیست هزار تن وسی هزار تن خودش یک مقداری است که موجب می شود که نکشی در اینکار پیدا بشود (میراشرافی) ممکن است اشخاصی که پروانه گرفته اند بفهمانند که آنها هستند؟ آقایان ممکن است تعریف بیاورند در وزارتخانه تمام پرونده های فرد فرد صادر کنندگان برنج در اختیار آقایان خواهد

بود بنده استدعا میکنم تشریف فرما بشوند و تمام اینها را ملاحظه فرمایند و اگر هر آن کوچکترین جریان سوئی در این قضیه ملاحظه فرمودند بنده تذکر بکنم تا بنده خودم تعقیب بکنم یا خود آقایان تعقیب فرمایند (میراشرافی) آقای مهندس رضوی آنروز تذکر دادند که بعضی از آنها بازرگان نبودند بنده عرض کردم که ملاک دادن پروانه داشتن یک اعتبار غیر قابل برگشت از یک کشور خارجی بود اما در امور کار که پروانه دادیم فقط کارمان در این بود که به بیمی کی دلار آورده و بانک تصدیق بکند که این دلار صحیح است و کی قیمتش از همه بالاتر است و با او بدهیم بعد البته بر افراد مردم کم کم واضح شد که برنج هر تنی در حدود دو هزار سه هزار دلار در آمد دارد و این بود که عده اشخاصی بفکر افتادند که پروانه برنج بگیرند از تاریخی که بدان پروانه شروع شد تا تاریخ دو هفته قبل بنده سؤال جناب آقای دکتر بقاشی را حاضر کردم و چهارصد و شصت و هشت هزار تن درخواست پروانه شده بود ملاحظه فرمائید ۶۸۰۰۰ تن درخواست پروانه و هر هزار تن دو میلیون الی سه میلیون ریال استفاده توابعدم رضایت میکند صدویست نفر درخواست دادند آنهم از چه اشخاصی اشخاصی که تمام شغلشان ماشین و موتور ، شکر کت های صنعتی و فنی ، شکر کت پشم و پوست و تیره ، شکر کت لباس اینها آمدند و درخواست صدور برنج کردند البته تصدیق می فرمائید که دنبال هر هزار تن دو میلیون سه میلیون ریال استفاده فقط یک درخواست کننده یا صادر کننده نیست تمام دو میلیون سه میلیون ریال یک درخواست کننده نمی تواند بخورد و معلوم است که ناراضی ایجاد می شود و وقتی ناراضی ایجاد شد اشخاص بانفوذی هم که می خواهند بیک عده ای کمک بشود و آنها پروانه بگیرند آنها هم ناراضی میشوند (صحیح است) (میراشرافی) اسم آن اشخاص بانفوذی را که فرمودید بفهمانید هم اینها تشریف بیاورید بوزارتخانه در پرونده هست خدمتتان عرض می کنم بنا بر این اگر ما میخواستیم همه آقایان پروانه بدهیم که غیر ممکن بود و اگر میخواستیم رعایت بعضی را نکنیم ظلم میشد در همین حال میخواستیم رعایت ارز دولت را هم بکنیم که هر کس بیشتر قیمت آورده باشد بآنها بدهیم این بود که فکر کردیم که دست یک کمیسیونی بدهیم که نه بدست بنده باشد نه بدست یک عضو کوچک یا بدست یک عضو بزرگ هر یک از آقایان نمایندگان هم شخصیت این آقایان و یا بدستی و امانت آقایان اعتراضی داشته باشند بنده حاضر بودم در اختیار آقایان هستم و اما اینکه تا حال چه مقدار برنج از این پنجاه هزار تن صادر شده است خدمت

آقایان عرض می کنم که بیش از ۳۰ هزار تن از این برنج صادر شده است و در حدود شش میلیون دلار ارزش دارد و این مملکت شده و اگر این ۶ میلیون دلار وارد نشده بود امروز دلار شاید از ۹ تومان هم بالاتر بود از ده تومان هم بالاتر بود و عده ای هم انتظار داشتند که برسد باین مقدار خوش بختانه در اثر فضل خداوند و کوششی که دولت میکند هنوز نتوانسته اند موفق شوند و اما قسمت مازاد پنجاه هزار تن اکنون که تمام بازارهای دنیا برنج ایران را شناخته اند و اکنون که ما با تمام قوا سعی کردیم یعنی با اداره گمرک و گارد مسلح نوشتم که از صدور برنجهای قاچاق و از صدور برنجهایی که برخلاف نمونه است یعنی برخلاف مشخصاتی است که در اختیار گذاشته اند جلوگیری کنند معدک متأسفانه جنس بشر نمیتواند برای جلب نفع خودش یک خلاقانهایی هم بکند و بالنتیجه برنج ایران در دنیا خفیف شود و سال آینده و سالهای بعد بازاری نداشته باشیم روی این اصل دولت تصمیم گرفت که بعد از پنجاه هزار تن دیگر مطلقاً پروانه ندهد و خود دولت صادر کند برای اینکه اولاً این نفع سرشاری که هست خود دولت هم درش شرکت کند (خلخالی) از اول چرا تصمیم نگرفت از اول کسی توجه نداشت که بازار باین ترتیب باشد (خلخالی) سر کار که از اول توجه داشتند؟ بنده کاملاً توجه داشتم ولی مشکل خودم را عرض کردم مشکل این بود که ممکن نبود دولت بتواند ۵۰ هزار تن برنج را به خارج برساند (مهندس غروی) برای دولت میسر نبود که این مقدار برنج تهیه کند (مشکل دیگر اینکه دولت های خارجی در کمین بوده هستند که نگذارند این عمل بشود) معتمد دماوندی یک مشکلی هم کمی پول بوده است) و اما فقط از پروانه ای که داده شده بود چهارده هزار تن پروانه برنج اندونزی باقی مانده است که بنده در عین اینکه جواب جناب آقای دکتر را در این قسمت میدهم توضیح این چهارده هزار تن را هم خدمت آقایان عرض می کنم در قسمت اندونزی مقدمات هر ایش بنده را جناب آقای دکتر بقاشی فرمودند و توضیح واقعه را دادند بنده توضیحی که میدهم این است که دولت در آن موقع به چوجه دخالتی در امر برنج اندونزی نداشت یعنی دولت اندونزی در ماه مرداد هفده هزار و پانصد تن برنج از یک نفر تاجر ایرانی که اسم بردند خریداری بود و شرط کرده بود که اگر برنجی از شمال حمل کند و بارنامه حمل برنج و بینه نامه برنج ارائه شود بتواند نصف پولش را بگیرد در شهریور ماه گذشته بگروزر وزیر مختار اندونزی در دفتر بنده حاضر شد و توضیحی هم نگران و اظهار کردند که این شخص با ارائه دو صدق که بنظر ایشان هم تصدیق

خلاف واقع بود آمده است و یک میلیون و دوست هزار تومان یعنی یکصد و نود هزار دلار گرفته است و از بنده درخواست میگردند که چون این شخص ۲ مرتبه آمده است و تصدیق بیمه دیگری از همان شرکت آورده است (دکتر بقائی - از کدام شرکت؟) از همان شرکتی که فرمودید از شرکت دیگر اکسیرس مبنی بر اینکه شش هزار تن دیگر حمل شده است و نصف پول

این شهزادتن را درخواست دارد که بهشان بپردازیم و این مبلغ بیش از یکصد هزار دلار است و چون مدتی از تاریخ نامه اولی گذشته و طبق تحقیقات برنجی بجنوب حمل نگردیده این قسمت بنظر من یک قدری عجیب رسیده و از همینجا من یک قدری مظنون شدم و وقتی تحقیق کردم معلوم شد آن دوهزار و پانصد تن قبلی را هم که پولش را از ما گرفته اند بخرمشهر ترسیده است و از بنده خواستند که ما فروشنده را تعقیب کنیم بنده بلافاصله فروشنده را خواستم در دفتر خودم و توضیحاتی از شان خواستم ایشان تقریباً و تلویحاً تصدیق کردند که این برنج هنوز بخرمشهر نرسیده و گفتند علت اینکه ما این پول را گرفته ایم برای این بوده است که پول نداشتیم برنج بخیریم و این پول را گرفتیم و برنج خریدیم و حمل میکنیم بنده عواقب وخیم و امکان تعقیبات قضائی اینکار را در صورت عدم انجام تعهد بنظر ایشان رسانیدم (دکتر بقائی - بنظر کی؟) بنظر همان آقای فروشنده چون ما هنوز دلیل جرمی نداشتیم برای اینکه ایشان میگفتند که برنج در راه است و بما تأمین داد که تا یک هفته الی ده روز دیگر این برنج بخرمشهر خواهد رسید و شما صبر کنید بنده بهشان گفتم که اینجا حیثیت یک کشوری در خطر است و اگر شما بتعهد خود عمل نکنید ما تعقیب میکنیم ایشان رفتند و پس از مدتی که گذشت آقای وزیر مختار اندونزی مراجعه کرد و تأیید کرد که برنج بهیچوجه بخرمشهر نرسیده است و بنده درخواست تعقیب دارم و در این موقع بود که خود وزیر مختار هم از مجرای وزارت خارجه موضوع را تعقیب کرده بود و در هیئت دولت مطرح گردید وزارت دادگتری مأمور شد که باشد نحو قضیه را تعقیب کند و کیلی هم از وزارت دادگتری انتخاب شد در این موقع جناب آقای دکتر ملک اسماعیلی معاون وزارت دادگستری بودند که یکی از کلای درجه یک دادگستری را معرفی کردند که آقای ازسلان خلعت - بری بود که ایشان بعللی قبول نکردند شخص دوم آقای سرشار قبول کردند و دنبال قضیه رفتند قضیه در دادگستری تعقیب شد ولی باید از اول بنده خدمت آقایان عرض بکنم که جریان برنج اندونزی یک جریان عادی نداشت یعنی یک شاکی عادی نبود که الی آخر جداً قضیه را تعقیب بکنند و در حقیقت دولت را در حالت بی تکلیفی گذاشته بود این

دلیل که ایشان پس از اینکه تعقیب کردند یک روزی قبل از اینکه جریان بانجا برسد باید عرض بکنم که من باب احتیاج خود بنده یکروز در ضمن همین جریان تعقیب وزیر مختار اندونزی را بنده فرمودم خواهش کردم تشریف آوردند و ایشان تذکره دادند که در عین اینکه دولت ایران بهیچوجه دخالتی در این معامله نداشته و شما معامله شخصی کرده اید ولی از نظر حفظ حیثیت و همان جریانی که آقای دکتر بقائی فرمودند دولت ایران حاضر است که تمام آن برنجی را که شما خریده اید در بندر خرمشهر تسلیم شما بکنند ایشان تذکره دادند که من مراتب را بدولت خودم اطلاع میدهم و بعد نتیجه را عرض می کنم بعد از چند روز دیگر به بنده تلفن کردند که من نتیجه را بدولت خودم اطلاع دادم و دولت اندونزی بمن جواب داده است که احتیاجات خودش را از جای دیگر تأمین کرده است بنا بر این ایشان بمن اینطور فهمانند که دیگر ما احتیاجی به برنج ایران نداریم قضیه در تحت تعقیب دادگستری بود این شخص فرار کرد رفت برشت و دنبالش مأمورین بودند بعد بر گشت بتهران باز دنبالش مأمورین بودند در این جریان آقای وزیر مختار اندونزی تشریف آوردند و چنین اظهار کردند که چون یک هزار تن از این برنج در مقابل پولی که به شفیعا پرداخت شده و حاضر بحمل است پروانه آن صادر گردد و پروانه شش هزار و پانصد تن دیگر هم بعداً درخواست میشود که صادر گردد روی این درخواست ایشان فوراً دستور داده شد که پروانه یک هزار تن برنجی را که خودشان تصدیق کردند که در اختیار دارند صادر شود در نامه هاشان همچنین تذکره دادند که طبق اطلاع گمرک ششصد و چهل تن از این برنج تحویل شده است که در خرمشهر حاضر است بلافاصله بعد از آن یکروزى مراجعه کردند که پروانه شش هزار و پانصد تن را بنام دیگری صادر کنند در اینجا بنده قدری مظنون شدم چطور است نماینده یک دولتی یکروز آمده است و به بنده گفته است که این شخص را تعقیب کنید فردای آنروز آمده است و ما با او میگوئیم که همه برنج مورد احتیاج شما را حاضریم در خرمشهر تسلیم کنیم به بنده میگوید که احتیاجی به برنج شما نداریم و بعداً آمده است گفته است هزار تن هم تحویل شده است و حالا آمده اند و برخلاف آن اظهاراتی که میفرموده اند درخواست پروانه شش هزار و پانصد تن دیگر میکنند آنهم برای خودشان غیر برای یک شرکت دیگر در این ضمن چند روزی نگذشت که ایشان یک نامه رسمی دیگری نوشتند و این مرتبه بجای شش هزار و پانصد تن و هفت هزار و پانصد تن درخواست پروانه ۱۴ هزار تن کردند باز هم برای یک کمپانی برای یک شرکت دیگری که بنده

وقتی از بانک اعتبار این شرکت را خواستم سرمایه این شرکت فقط دوست هزار تومان بود آنهم بریال اعتباری هم در بانک ندارد فقط صد و پنجاه هزار تومان اعتبار با ضمانت شخص دیگری گرفته شده است نه با اعتبار آن تجارتخانه کار این شرکت عبارت است از مقاطعه کاری و برای یک چنین شرکتی درخواست پروانه مقدار برنجی شده بود که در حقیقت یکصد و بیست میلیون ریال سرمایه لازم داشت که بتوانند این چهارده هزار تن برنج را صادر کنند و حال آنکه سرمایه این شخص فقط دوست هزار تومان یعنی دو میلیون ریال بود ممکن است این توهم برود که ما چکار داریم باینکار اعتباری باز شده و باید داد ولی برای آن شخص قبلی هم اعتبار باز شده بود برای مقتدر شفیعا هم اعتبار غیر قابل برگشت باز شده بود و این گرفتاری را برای دولت ایران و برای ملت ایران و برای حسن مناسبات اقتصادی دو کشور ایجاد کرد گویا اینکه دولت ایران دخالتی نداشت ولی این جریان نامطلوب یک اندازه ای موجب شد که دولت در این باب تأمل بکند بنده فوراً تمام مراتب را به عرض رسانیدم در خلال همین احوال آقای وزیر مختار شرحی نوشتند به آقای باز پرس دادگستری بنده این شرح را خدمت آقایان محترم میخوانم  
آقای باز پرس شعبه ۴ دادسرای شهرستان تهران  
آقای محترم نظر باینکه اخیراً شرکت سیمین مقیم خیابان رازی قرار دادی با سفارت اندونزی منعقد نموده که یک هزار تن برنج چمپامجانا و بالا عوض در مقابل وجوهی که آقای علی مقتدر شفیعا دریافت نموده است بنده و همچنین سفارت هم بنوبه خود مقدار ۷۵۰۰ تن برنج طی قرارداد از شرکت مزبور به قیمت ۱۹۰۰ دلار هر تن خریداری نموده چون شرکت نامبرده میزان مورد تعهد قسمت اول قرارداد را بابت وجوه دریافتی آقای شفیعا تحویل نماینده این سفارتخانه نموده است که موجبی برای تعقیب علی مقتدر شفیعا و سلمان اسدی باقی نخواهد ماند مقتضی است مقرر فرمائید متعرض اشخاص مزبور نشوند زیرا نسبت بانان تعقیبی نداشته و از شکایات خود صرف نظر مینمایم و ضمناً تأیید می نمایم که بهیچوجه این سفارت و وزارت اقتصاد ملی اندونزی و شخص اینجناب به آقایان نامبرده گفتگو و محاسبه ندارد و کلیه تعهدات و قرارداد های منعقد بین طرفین از درجه اعتبار ساقط است وزیر مختار اندونزی  
با نوشتن این نامه بیاز پرس دادگستری دولت دیگر هیچگونه تعقیبی نداشت و در پیرو همین نامه بود که آقای وزیر مختار اندونزی درخواست چهارده هزار تن پروانه میکرد در مقابل شش هزار و پانصد تن و البته ما که باید منافع دولت را در نظر بگیریم منافع کشور را در نظر

داشته باشیم این جریان نامطلوب را تمام کردم بوزارت خارجه همین شرح را در هیئت دولت هم مطرح شد و قرار شد وزارت خارجه مستقیماً مراتب را بدولت از ابتداء تا انتها خبر بدهد مبادا همانا که جناب آقای دکتر تذکره دادند در حقیقت حسنه ای که بین دو کشور موجود است و رخ بدهد منسب شود از ما رنجشی حاصل گویا اینکه بنده صریحاً عرض میکنم بکرات بجناب آقای وزیر مختار اندونزی تذکره دادم که دولت ایران حاضر است شماره تمام و کمال در خرمشهر تحویل دهد اما مسافرت آقای وزیر امور خارجه اندونزی تا آن حدودی که بنده اطلاع خیال میکنم ارتباطی با این قضیه نداشت اگر ارتباطی با این قضیه داشت بنده میشدم و اما اینکه آقایان فرمودند که پروانه ها بعضی از تجار عرب و یهودی شده است ناچارم حضور آقایان عرض کنم که کشور ایران کشوری است آزاد و بایستی تذکره عرض کنم که ما جزو مقررات هیچ راه دیگری نداشتیم اگر تاجری باشد که دارای سرمایه باشد تنی دوست دلار ارز بملکت ما بیاورد بخواهد برنج مارا ببرد ما نمیتوانیم بشویم البته بیرونده ها حاکی از این است و بنده هم عرض میکنم که هر کجا آقایان میل دارند ممکن است تشریف بیاورند و ما شاهد بفرمایند چنانچه اشخاصی که برخلاف مقررات عملی انجام داده باشند بنحو اش مورد تعقیب قرار خواهند گرفت در عین حال تأیید میکنم که تا این تاریخ هیچگونه خلاف رویه ای نشده و اما در یکی از روزهای یکی از نمایندگان محترم در جا تذکره فرمودند که یک قسمت از برنج بهدین قسمت برنج بوده که ایشان با کمال حسن نیت فرمودند و کمال استقبال را میکنم که آقایان لطف فرموده و مسائل را سؤال بفرمایند که ما نیز بتوانیم حقایق را در معرض نمایندگان محترم و ملت ایران بگذاریم یک تذکره خواستم بنده در خانه فرم بکنم و آن اینست که فرمودند اینجنابان ترین قوانین و مفیدترین وسائل را در دولت فعلی گذارده ایم و بایستی در اصلاحاتی را در اسرع وقت بکنند البته عین اینکه بنده تصدیق میکنم که آقایان اظهار لطف فرموده اند بایستی عرض کنم که اصلاحات اقتصادی قضیه اعجاز نیست که در ۲۰ سال یا شاید بقول بعضی آقایان صدسال راه انحطاط اقتصادی خرابی و زوال را بیموده و همه جور فساد درش رخنه داشته بایک صمیم و قانون و یا یک اظهارنامه و اعلامیه این نیست که اصلاح بشود در سال آقایان عرض میکنم در سال ۱۹۲۰

فلسطین و امروز وضع داروهای اختصاصی باین کیفیت است که عرض میکنم و از نظر آزمایش و تجربه و امتحان هم عیبی ندارد که هر کدام از آقایان که میل داشته باشند باین آزمایشی که عرض میکنم اقدام فرمایند عمده فروش های دوا در خیابان ناصریه هستند که هر کدام یک دکه کوچک و مختصری را در دست خودشان دارند متجاوز از چند صد قلم داروهای غیر مؤثر گننام غیر معروف نوی آن دکه جمع کرده اند که حتی آن دکه بهلویش و همسایه مجاورش از این نوع دارو ندارد ولی آن دیگری چهل و پنجاه قلم دیگر دارد این که عرض میکنم ۲۰۰۰ نوع داروی اسپسیالته از همین نظر است نه اینکه آقایان تصور کنند که داروخانه های معروف شهر واقعا این ۲۰۰۰ قسم اسپسیالته را داشته باشند داروهای معروف که واقعا مؤثر است بیش از ۵۰۰ قلم نمی شود ولی از این ۵۰۰ قلم که گذشت بقیه اش تحت عنوان ر کلام و تبلیغات و پروپاگاندا گمراه کننده مقادیر زیادی در سال دلار ولیره و ارز از این کشور خارج میکنند این داروها وارد می شود و ارز مملکت خارج می شود در حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ قلم دوایش داروئی است که معروف است و مورد توجه همه آقایان اطباست بقیه این دواها بصرف تبلیغات گمراه کننده ای که در جراید می شود حتی در رادیو البته جراید و نه رادیو تقصیر دارند برای اینکه تخصص ندارند این کار از وظایف و مسئولیت های بسیار سنگین وزارت بهداشتی است برای اینکه وقتی قرار شد کلام شود یک آگهی در جراید تحت عنوان ر کلام یا بوسیله فرستنده پخش شود قبلا بایستی که کسب اجازه از وزارت بهداشتی شده باشد در صورتیکه متأسفانه اینطور نیست و همین تبلیغات گمراه کننده است که مردم را گمراه میکند از یک طرف سیل آن دارو های بی ارزش و یابی اثر و یا کم اثر وارد میشود و از طرف دیگر همین داروها بدون اینکه احتیاجی بپورود آنها باشد و ممکن است در داخله تهیه کرده مصرف میشود مثلا شربت هائی هست بنام تونیک که بمنظور تقویت است اساسش رایک مقدار خون خشک شده یعنی هموگلوبین تشکیل میدهد بقیه اش هم آب و شکر است ولی یک شیشه اش شصت ریال هفتاد ریال هشتاد ریال بفروش میرود وقتی دقت فرمائید شاید همه اش ۴ ریال خون خشک نداشته باشد بقیه اش هم آب است و شکر است و محل آنکه تهیه این قسم داروهای پیش یا افتاده در خود کشور میسر است و یا شربت هائی که تحت عنوان شربت سینه و صید برنشین تهیه میشود اینها هم بمنظور مقهور و میسور است تهیه اش در کشور از این نظر بنده خیلی تعجب میکنم با اینکه شخصاً بجانب آقای دکتر فرمانفرمایان کفیل محترم وزارت بهداشتی ارادت دارم نه تنها از نظر

همکاری بلکه واقعا از نظر اخلاق و از نظر معلومات شایستگی احترام و ارادت را دارند ایراد من بشخصه دکتر فرمانفرمایان نیست بلکه ایراد من بدستگاه وزارت بهداشتی است (مهندس غزوی - که زیر نظر ایشان اداره میشود) که زیر نظر ایشان اداره میشود (خنده نمایندگان) قسمت دوم این سؤال مربوط است به قسمت گرانای داروها بعضی از داروها هستند که اساساً کمربندارند یعنی از نظر توافق مردم از نظر کمک به بیماران که این دواها مورد احتیاجشان است کمربندی برایشان قابل نشدن مثل انواع و اقسام آنتی بیوتیک ها یعنی دارو های ضد میکرب این داروهای آنتی بیوتیک یعنی ضد میکرب با قیمت فوق العاده زیادی در بازار بفروش میرود مثلاً یک کبسولی است که قطعاً همه آقایان اسمش را شنیده اند بنام اورومسین این برای تب مالت و حصه و برای ذات الریه و برای انواع و اقسام کسالت ها مفید است و دولت از این کمربندی نمیگیرد از لحاظ کمک به مردم ولی در این شهر یک شیشه ۱۶ کبسولی آن ۵۶ تومان بفروش میرسد بنده خواستم عرض کنم که این دوا داروهای مشابه آن کمربندارند و دلیل اینکه این دوا آنقدر گران فروخته میشود در بازار چیست؟ دو کمیسیون هست از نظر دوا یک کمیسیون در وزارت بهداشتی یک کمیسیون در وزارت اقتصاد متأسفانه آقای وزیر اقتصاد ملی تشریف بردند کمیسیون وزارت بهداشتی عنوانش این است که ما تفکیک می کنیم داروهای ضروری را از غیر ضروری و حال آنکه در عمل مشاهده میشود که این کار را انجام نمیدهند چون اگر آقایان کمیسیونی که در وزارت بهداشتی است که البته در زمان آقای دکتر فرمانفرمایان ایجاد نشده و از سابق بوده ولی البته وحی منزل نیست و وقتی که ایشان متوجه شدند که اینها وظیفه شان را انجام نمی دهند ممکن بود که اعضای کمیسیون را عوض کنند یک چنین کمیسیونی در وزارت بهداشتی هست اسم بی مسمی تحت عنوان اینکه ما که بنام اعضای کمیسیون جمع شده ایم دواهای مؤثر را از غیر مؤثر و ضرور را از غیر ضرور تفکیک می کنیم در حالی که عملاً اینطور نیست تمام دواهای بنجل و دواهای بی اثری که در همین عمده فروشی های خیابان ناصریه است با جواز این کمیسیون وارد کشور شده بنا بر این یک قسمت از این سؤال این است که شما اعضای این کمیسیون که قادر بر این نیستید که بتوانند این امر مهم و مؤثر را انجام بدهند می شناختید یا نمی شناختید اگر این هارا می شناختید پس این کثافت کاریها و این داروهای بی اثری که با سامی مختلف حتی در دکان های بقالی و عطاری جمع شده است چیست؟ و اگر اعضای این کمیسیون را مقید و قادر بانجام این مسئولیت نمی دانستید چرا تا

بحال اعضای این کمیسیون را عوض نکردید یک کمیسیونی هم هست در وزارت اقتصاد دنباله همین کمیسیون است و مضحک تر از همه این است که فرض کنید دوائی بنام ایکس (X) بعد از تربیاتی از این کمیسیون میگردد این اجازه را برای مدت دو سال و سه سال و بمقدار کافی نمی دهند مثلاً فرض فرمائید بنی سیلین میگویند ما چهار هزار شیشه اجازه میدهم این چهار هزار شیشه را شما وارد کنید وقتی که تمام شد مجدداً بیایید از کمیسیون جواز بگیرید سؤال بنده این است که یا باید تشخیص بدهند که بنی سیلین وجودش لازم است در کشور برای معالجه بیماری یا لازم نیست وقتی که لازم است این طرز عمل معنی ندارد اینکه چهار هزار شیشه میگویند برای سوء استفاده ای است که همین کمیسیون برای دفعه دوم میکند گرفتاری وارد کننده دوا از این مرحله که گذشت تازه گرفتار کمیسیون وزارت اقتصاد میشود این کمیسیون بنام تثبیت قیمتها یک قیمتی روی این دواها میگذازد که در تعیین این قیمتها سوء استفاده میشود و نتیجه سوء استفاده این دو کمیسیون این است که یک دوائی که باید بقیمت ده دوازده تومان یعنی صد و بیست ریال بفروش برود ۶۰ ریال بفروش میرود از عمده فروشها و وارد کننده های دوا که سؤال میکنید و میگویند این بی انصافی است این خون آشامی است او میگوید چه کار کنیم مخارج غیر رسمی و غیر قانونی که وارد کردن دوا برای مادران ملانچولیم بکشیم روی دوا از جیبمان که نمیتوانیم بدهیم خلاصه اش این است که وضع قیمت دواها چه از حیث گرانی و چه تعداد دواها از حیث بی نظمی و لجام کسبختگی که بی ربط سیل آسا وارد کشور میشود کاملاً موجب تأسف است بطور خیلی عجیب ایجاد خطر کرده است برای ما بنده این را سه مرتبه اینجا عرض کرده ام ولی توجهی نشده است یک قسمت دیگری که پایان سؤال بنده است از آقای وزیر بهداشتی این است که چه نظارتی در امر قیمت این دواها و چه نظارتی در امر وارد کردن این دواها دارید و بنگاه داروئی کشور که حقاً و واقعاً بایستی چنانچه از اسمش پیدا است این قدرت و توانائی را بنگاه داروئی کشور داشته باشد که دواها را بیکجا وارد کشور بکنند و آن بلوک و با بک قیمت معین بفروشد در عمل می بینم که خود این بنگاه هم خریدار از همین عمده فروشهای دارو است وضع دارو ها و کیفیت وارد کردنشان بسیار اسف انگیز است نتیجه این کثافت کاریها هم این خواهد شد که وقتی صندوق دوا از وزارت بهداشتی برای استانها و شهرستانها میرود در صندوق را که باز میکنند جز جوش شیرین و سولفات دوسود و ینبه و الکل چیز دیگری نیست یعنی دولهائی که مورد استفاده اطبا ی شهرستانهاست نیست بنده امیدوارم که این تذکراتی که بجانب آقای

دکتر فرمانفرمایان تحت عنوان سؤال یک کمی بیش از پیش ایشان را متنبه بکند بدانند که امروز که در رأس وزارت بهداشتی دارند چون بهداشت و بهداشتی مردم است بخوبی کار کردن اولیای وزارت بهداشت دارد یک کمی بیش از آنچه که تا فعالیت داشته اند فعالیت بکنند مخصوصاً قسمت قیمت دواها نظارت بیشتری داشته باشند و دواهای غیر مؤثر را و بویژه را ممنوع کنند و بنگاه داروئی کشور ورود دوا توجه بیشتری بکنند

**فایب رئیس -** آقای وزیر بهداشتی (دکتر فرمانفرمایان) باتشکر از اظهار لطف جناب آقای دکتر غزوی (یک نفر از نمایندگان) و مهندس غزوی (و آقای مهندس غزوی) عرض میفرماید جناب آقای دکتر فقیهی شیرازی نماینده محترم در جلسه روز یکشنبه پنجم بهمن ماه راجع بوزارت بهداشتی بیاناتی ایراد نمودند و ضمناً سؤالی هم از وزارت بهداشتی فرمودند بسیار خوشوقتم که باین بنده فرصت داده شد تا ضمن پاسخ سؤالی نماینده محترم مطالبی نیز عرض برسانم اگر چه خود آقایان محترم بخوبی از وضع بهداشتی مستحضر آگاهند ولی برای آنکه موضوع بحال روشن شود ناگزیر عرض چند نکته می باشم

گذشته از قلت بودجه وزارت بهداشتی از حیث تعداد پزشک بخصوص جراح رادیولوگ چشم پزشکی متخصص آزمایشگاه و غیره بی اندازه در مضیقه است خود بنده اعتراف دارم که بقدر کافی پزشک در شهرستانها وجود ندارد و بعضی از نقاط مرزی و قسمت عمده ای از قریبات و بعضی نقاط فاقد پزشک است این امر معلول دو علت است یکی آنکه تعداد فارغ التحصیلان دانشگاه پزشکی برای رفع احتیاجات مؤسسات بهداشتی به چوچه کافی نیست و دیگر آنکه عمده ای از همین فارغ التحصیلان همانطوریکه خود آقایان محترم بارها باین بنده گوشزد فرموده اند شاید بعلمت کمی حقوق حاضر بخدمت در دستگاههای وزارت بهداشتی مخصوصاً در نقاط دور افتاده و مرزی که فاقد مسکن و منزل مناسب است نیستند با وجود این مضایق باید انصاف دار که پزشکان و کارمندان فنی وزارت بهداشتی با کمال از خود گذشتگی با وجود عمده وسایل لازم و با حقوق فعلی نهایت سعی و کوشش را بکار برده اند که وظائف خود را در نقاط مختلف کشور بنحو مطلوب انجام دهند و برای نمونه عرض میکنم که علاوه بر دستگاههای درمانی که روزانه هزاران نفر را مورد معاینه و معالجه قرار میدهد دستگاههای بهداشتی اقدامات بسیار مفیدی از قبیل مبارزه با مالاریا (سل) و

بفری) (آبله) و غیره نموده که از هر یک حائز اهمیت است.

مبارزه‌ای که با مالاریا در ایران طبق نامه معین صورت گرفته تصدیق کارشناسان المللی از مهمترین و مفیدترین عملیات بهداشتی جهان محسوب میشود.

در بعضی از نقاط مخصوصاً نواحی سال که بیماری مالاریا بزرگترین خطر سلامتی را ایجاد و تلفات اشخاص بخصوص کودکان صورت حیرت آوری بخود گرفته و امروز در اثر مبارزه با این بیماری و مباحثی بوسیله کرد ددیت به نسبت ۹۰ درصد از تعداد مبتلایان کاسته شده و طبق گزارش دقیقی که در دست است از مرگ و میر کودکان بطور مؤثری جلو گیری شده و مقایسه با سه سال قبل تعداد کودکان دوساله می در صد بیش از سالهای قبل از مبارزه است البته آینده بخوبی نشان خواهد داد که عمل مبارزه با مالاریا تا چه اندازه باز دیاد نفوس بهبود وضع اقتصادی و بالا بردن سطح تولید کمک نموده و از عواقب وخیم مالاریا در مناطق شمال که در درجه اول تهیه زمینه مساعد برای ابتلای بسل اهمیت جلو گیری بعمل آورده است.

اخیراً بنا بقاضی وزارت بهداشتی اداره همکاری فنی یکدستگاه رادیولوژی سیار اهدا نموده که بلافاصله مورد استفاده قرار گرفت و تا کنون از ریتین ۱۲۶۲ نفر از اعضای ادارات و شاگردان مدارس طهران و کارمندان مجلس شورای ملی عکس برداری شده و کسانیکه احتیاج مبرم بمجری شدن از سایرین را داشته اند مجری شده و تحت درمان قرار گرفته و کسانیکه مشکوک تشخیص داده شده اند مورد آزمایشهای دیگری واقع شده و دستور های لازم بهداشتی بانها داده شده است. ایندستگاه نیز طبق برنامه معینی بشهرستانها فرستاده می شود که از اجتماعات و شاگردان مدارس و کارگران کارخانجات رادیو گرافی نماید و فعلاً ایندستگاه در یزد و کرمان مشغول کار است و با این ترتیب وزارت بهداشتی قدم مهمی برای تشخیص مسلولین و جدا کردن این افراد از اشخاص سالم در آتیه برخوردار داشت.

تختخواب آسایشگاه اشغال نمی شود و تعداد بیشتری از بیماران قابل علاج از وسائیل درمانی و تختخوابهای موجود استفاده می کنند.

با وضع فعلی که بیمار اعم از بهبودی یافته و یا صعب العلاج در آسایشگاه میماند و هر روز عده جدیدی نیز برای بستری شدن باین آسایشگاهها اعزام میگرددن آقایان تصدیق خواهند فرمود چنانچه تعداد تخت خوابها بچندین هزار هم بالغ گردد باز تکافو نخواهد کرد و در نتیجه بیماران بهبودی یافته هم بتدریج مجدداً در همان محیط صحت باز یافته خود را از دست می دهند.

بسیار متأسفم از اینکه عرض کنم در بین این مسلولین عده قلیلی نیز یافت میشود که از بیماری خود سوء استفاده می نمایند و اضافه بر داروهاییکه مجاناً طبق تجویز پزشکان معالج از این مؤسسات دریافت می دارند بانحاء مختلف پزشکان معالج یا خارج را وادار بنوشتن نسخه های غیر ضروری و داروهای تفتنی و گرانبها نموده و بکرات مشاهده شده است که از حسن نیت اشخاص خیر خواه سوء استفاده نموده اند و وجوه دریافتی را بمصارفی رسانیده اند که از ذکر آن معذورم.

و با فعالیت کارمندان بست های ثابت و اکیب های سبار از شایع شدن آبله جداجلو گیری بعمل آمد و این عملیات هنوز هم ادامه دارد.

بطوریکه آقایان نمایندگان محترم ملاحظه میفرمایند تا آنجا که قدرت مالی و تعداد کارمندان فنی اجازه میداده است حد اکثر اقدامات درمانی و بهداشتی از طرف وزارت بهداشتی معمول شده است منتهی این عملیات توأم بانبلیفات دامنه دار نبوده و بدون سروصدا انجام گرفته اینک با اجازه آقایان محترم بسؤالی که جناب آقای دکتر فقهی شیرازی فرموده اند پاسخ داده میشود.

در مورد جلو گیری از تبلیفات و آکھی های گمراه کننده تا آنجا که مقررات و قوانین اجازه داده اقدام شده است منتهی باید عرض کنم که مقررات فعلی کافی بنظر نمی رسد بهمین جهت وزارت بهداشتی ضمن تدوین آئین نامه و برنامه های ضروری خود در صدد تکمیل مقررات فعلی و تهیه قوانین جدید برآمده است و برای حفظ مصالح عموم و جلو گیری از عملیات موهن و خلاف قانون عده ای نفع پرست که باحیاط مردم بازی میکنند تدابیر لازم اتخاذ نموده و نتیجه آن باستحضار نمایندگان محترم خواهد رسید.

در مورد بیماری سل باید عرض کنم که این بیماری نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان مسئله بهداشتی بفرنجی را تشکیل داده زیرا فقر و محرومیت چنانچه آقایان بخوبی مستحضرنند در اشاعه این بیماری فوق العاده مؤثر است و هر قدر سطح زندگی ملتی بالا برود بهمان درجه از تعداد مبتلایان سل کاسته می شود اخیراً در این مورد همان طوریکه در تمام ممالک مترقی معمول است دو اقدام بسیار مهم از طرف وزارت بهداشتی با کمک سازمان بهداشت جهانی و اداره کمکهای فنی و سازمان برنامه انجام گرفته

در قسمت آسایشگاهها و درمان مسلولین باید عرض کنم که اساساً آسایشگاه شاه آباد و بیمارستان بوعلی برای مسلولین طهران و حوالی نزدیک آن ایجاد شده و گنجایش بستری کردن کلبه مسلولین ایران را ندارد طبق برنامه ای که در دست اقدام است امبد است در هر یک از استانها با کمک انجمن های شهر آسایشگاهی تأسیس شود زیرا علاوه بر آنکه آسایشگاههای طهران قادر ب بستری نمودن مسلولین شهرستانها نیست انتقال مسلولین از نقاط دور دست بطهران از نظر موقعیت محلی و از نظر وضع مزاجی خود بیمار صلاح نیست. موضوع دیگر وضع مسلولین فعلی دو آسایشگاه مرگز است که غالباً آقایان محترم در این باب استفسار می فرمایند. کسانیکه در خارجه بوده اند کم و بیش اطلاع دارند که در هیچیک از ممالک دنیا چه اروپا و چه آمریکا که وضع مالی این ممالک بر مراتب از وضع مالی ما بهتر است بیمارستان و یا آسایشگاه مجانی وجود ندارد. در ایران وزارت بهداشتی با وجود بودجه قلیل خود باید مخارج کمر شکن این دو آسایشگاه را بپردازد و بدتر از همه آنکه

بیماران پس از بهبودی بعلت نداشتن شغل و کسب و کار باسانی حاضر بفرج از آسایشگاه نیستند. غالباً از آنکه آسایشگاه بانوانخانه فرقی دارد. الساعه هر این دو آسایشگاه بیمارانی وجود دارد که بیش از ده سال است در آنجا اقامت گزیده اند در صورتی که در هیچ جای دنیا مسلول با وجود آنکه مجاناً تحت درمان قرار نگیرد بیش از شش ماه در سنانا توریم بستری نمی شود و پس از شش ماه او را مرخص میکنند که در خارجه بعلاج خود ضمن اشتغال بکار ادامه دهد و چنانچه بیمار صعب العلاج باشد در پناهگاههای مخصوصیکه از طرف شهرداریها تهیه شده است بستری می شوند و بدون مناسبت

در مورد قیمت دارو گمان نمیکنم محتاج بته ذکر باشد که در اثر مبارزات دامنه دار ۲ سال اخیر که منجر بموقفتهای عظیمی شده است کشور ما دچار محاصره اقتصادی عجیبی گردیده است. این محاصره کمر شکن اقتصادی که خوشبختانه ملت ایران را نتوانست از پای در آورد تا حدی در افزایش قیمت بعضی از اجناس خارجی از قبیل دارویی تأثیر نبوده است ولی اقدامات مدیرانه و تدابیر دستکاهای دولتی و وزارت اقتصاد ملی در جلو گیری از اجحاف فروشندگان و کنترل واردات بطور قابل ملاحظه ای رفع نگرانی عموم را نموده است شکمی نیست که مقررات لایحه قانونی جدید بمنظور تهیه و وارد کردن دارو و لوازم فنی مستقیماً از کارخانجات درجه اول برای مؤسسات وزارت بهداشتی و دستکاهای دولتی کمک شایانی به بهبود وضع دارو خواهد نمود و دست بگمشت دلال نفع پرست را که چشم طمع بگشاید دولت دوخته اند کوتاه خواهد ساخت.

یکی تلقیح برضد سل بوسیله ب ت ث که تا کنون در حدود ۲۶۳۰۰۰ نفر از اطفال و کودکان مدارس که نسل آتیه را تشکیل می دهند مورد تلقیح قرار گرفته اند این تلقیح بتدریج طبق برنامه معینی در کلبه شهرستانها عملی خواهد شد و اینک اکیبهای مخصوص بانستان هفتم اعزام شده اند که اطفال و جوانان محلهای ضروری را برضد سل تلقیح نمایند بدیهی است کسانیکه بوسیله ب ت ث تلقیح می شوند در شرایط نسولی زندگی بیماری سل مبتلا نخواهند شد و این خود قدم بسیار بزرگی است که از طرف وزارت بهداشتی برای حمایت از نسل آینده برداشته شده و می شود خوشبختانه در همه جا این اقدام فوراً استقبال اهالی قرار گرفته و این عمل در صورت پیدایش اعتبار بصورت وسیعتر و سریعتر تردد تمام کشور انجام خواهد شد.

در قسمت مبارزه با بیماریهای واگیر که مورد توجه جناب آقای دکتر فقهی شیرازی قرار گرفته باید عرض کنم که در مناطقی که احتیاج بعمل مبارزه بوده است اقدام لازم فوراً صورت گرفته چنانچه در ظرف ۱۲ روز از شیوع بیماری در اهواز و شهر هتک و در ظرف ۷ روز از شیوع بیماری دقتوری در قزوین. همدان، آبادان و روست بوسیله اعزام اکیب های مخصوص و تلقیح واکسن جلو گیری بعمل آمد. و در چندی قبل بعلت پیدایش ۲ نفر مبتلا بآبله در تهران به جهل اکیب سبار مجهز مأموریت داده شد که در بعضی از محلات تهران که احتمال شیوع آبله در آنجا هامیرفت روزی دوازده ساعت مشغول تلقیح واکسن شوند

خوشوقتیم از اینکه عرض کنم در مورد ثقلب دارو کپره های شدیدی پیش بینی شده و در آتیه موجباتی فراهم خواهد گردید که کاملاً وسائل ورود داروی خوب از کارخانجات درجه اول بقیمت مناسب و بیض آن در سراسر کشور بطرز مطلوب انجام پذیرد.

ضمناً خاطر نمایندگان محترم را مستحض می دارم که وزارت بهداشتی در صدد ایجاد آزمایشگاه مهمی است که بتوان مواد فنی مخصوصاً موادی که بمصرف تمدن اطفال میرسد و هم چنین داروهاییکه از خارجه وارد

کشور میشود و یاد در داخله تهیه میگردد طبق اصول علمی جدید زیر نظر کارشناسان مورد کنترل و آزمایش قرارداد و از ورود و فروش داروهای غیر مؤثر و با زیان آور جلوگیری نمود

ضمن وزارت بهداشتی مشغول تدوین یک برنامه ۵ ساله است که متضمن رفع نواقص فعلی و تأسیس دستگاههای جدید و تربیت کارمندان فنی برای رشته های رادیولوژی معالجه تراخیم و کچلی و آزمایشگاه و بیماری های مقاربتی و غیره میباشد و امید است که با بودجه و اعتبار کافی برنامه های بهداشتی و درمانی خود را برای تأمین سلامت افراد این کشور همانطوریکه منظور نظر آقایان نمایندگان محترم است بتدریج بمرحله عمل در آورد

در خاتمه لازم میدانم بعرض برسانم که وزارت بهداشتی همیشه از نظریات آقایان محترم کمال استفاده را نموده و بسیار خوشوقت خواهم بود چنانچه نواقصی در کار بهداشتی مشاهده مینمایند باین بنده گوشزد فرمایند تا بر حسب وظیفه ای که دارم در رفع آن بکوشم

نایب رئیس - آقای دکتر فقیهی  
دکتر فقیهی - مطالبی که جناب

آقای کفیل وزارت بهداشتی فرمودند امیدوارم که بمنصه ظهور و بروز رسد ولی یک قسمت از توضیحات پیرش بنده بلا جواب ماند و شاید هنوز جواب این قسمت در دستر شان نیست و انشاء الله باتمیه این لوایح قانونی که فرمودند این قسمت و آن مربوط بموضوع تمهیدات گوناگون داروها بود که با این لایحه قانونی که جناب آقای نخست وزیر هم امضا فرمودند امیدوارم که یک بنگاه داروئی - جدید تأسیس بشود و داروهارا دست اول وارد بکند. بنگاه داروئی کشور هم وقتی تأسیس شد همین امید را از ش داشتیم ولی در این اواخر مبدل شده است بمؤسسه دلالی امیدوارم این مؤسسه جدیدتان که فعلا در عالم شکوین است باینصورت نیفتد ولی پاسخ این قسمت از عرض بنده که عرض کردم که در حدود ۲۵۰۰ قلم داروهای اسپسیالته است که غالباً غیر مؤثر است و فقط ۵۰۰ قلم آن مؤثر است آیا قانونی لایحه ای طرحی در این باره دارید که جلوگیری بشود از وارد شدن داروهای غیر مفید و غیر مؤثر بفرمائید یا خیر

(۹- تقدیم دو فقره لایحه)

بوسیله آقای وزیر فرهنگ

نایب رئیس - آقای وزیر فرهنگ

لایحه ای دارید بفرمائید  
وزیر فرهنگ (دکتر آذر) - عرض کنم دو لایحه است یکی راجع بتمهید دوره عمل و استفاده از اعتبارات مصوبه برای فراهم کردن مقدمات جشن هزاره این سینا در سال آینده (صحیح است) یکی هم راجع بپرداخت حقوق معوقه گوستاولوئی که در آزمایشگاه آسیب شناسی دانشکده خدمت کرده است و سه سال بتعویق افتاده این دو لایحه را تقدیم میکنم که انشاء الله زودتر تصویب شود

نایب رئیس - آقای وزیر بهداشتی  
توضیحی دارید بفرمائید

وزیر بهداشتی - آقای دکتر فقیهی شیرازی که در قسمت طب بنده افتخار هم کاری ایشان را دارم باید خودشان بدانند که بودن داروئی زیاد در کشور ضرر اساسی نیست چون مربوط باختلاف سلیقه است که اغلب در تجویز این داروها بین آقایان پزشکان موجود است وزارت بهداشتی باید سعی کند که داروهاییکه وارد می شود از کارخانجات درجه اول باشد و باین مملکت وارد شود و تقلبی نباشد این را چنانچه عرض کردم در لایحه ای که تهیه شده است پیش بینی شده است ولی انواع آنرا نمی

توانیم جلوگیری کنیم مثلا فرض بفرمائید بنی سبیلین ده کارخانه کارخانه های درجه اول هستند و ما قبول میکنیم که اینها این صلاحیت را دارند که وارد کشور بشود و نمیتوانیم محدود کنیم که این ده کارخانه از یک کارخانه یازدهمی که او هم از حیث ساخت و هم از حیث اهمیت مساوی با آنها است وارد کشور بشود چون اغلب آقایان پزشکان در معالجه ای که می فرمایند و در تجویزی که میکنند حق دارند که هر داروئی که برای بهبود حال بیمارشان لازم میدانند روی نسخه بنویسند و ما این محدودیت را نمیتوانیم برای آقایان اطباء فراهم کنیم ولی بطوریکه عرض کردم میتوانیم بگوئیم که داروهای کارخانه های درجه اول وارد کشور بشود و امیدوارم که موفق بشویم

(۱۰- تعیین موقع جلسه بعد)

نایب رئیس - اگر آقایان اجازه بفرمایند جلسه را ختم کنیم جلسه آینده صبح پنجشنبه ساعت ۹ و ربع صبح (یک ساعت و ده دقیقه بعد از ظهر) جلسه ختم شد

نایب رئیس مجلس شورای ملی - احمد رضوی